

کمونیست



پرده دوم یک خیانت

نزدیک به ده ماه از پایان مذاکرات کشورهای صادرکننده نفت با کشورهای انحصاری نفتی میگذرد. شاه در آن مذاکرات با ایفای نقش خائنه خود جهت درهم شکستن اتحاد نسبی درون اوک و عقربودن درخواستهای کشورهای مانند لیبی و الجزایر بخوبی نقش یک سنگ زنجیری امپریالیسم را اجرا کرد. این نوکر سرسپرده کشورهای انحصاری نفتی با بلند کردن علم "رهبری" کشورهای عضو ایک کوشید نقش انحصاری شکلی را در میان این کشورهای بازی کرده و منافع شرکتهای امپریالیستی نفت را که داشت فقط خدشه کوچکی بآنها وارد میکند، از گزند حوادث در امان نگه دارد.

اکنون، در اثر سیاست اقتصادی جدید نیکسون مبنی بر حلیق معاوضه دلار با طلا و کاهش ارزش برابری دلار در بازار جهانی و همچنین سیاست افزایش ۱۰ درصد تعرفه کمرکی بر کالا های وارداتی آمریکا، نتنها بدآمد نفتی کشورهای عضو ایک زبان رسانده، بلکه بدآمد وقوه رقابتی کالا های معمولی صادراتی آنها نیز لطمه زده است. این مسئله باریک اعتراض برخی کشورهای مترقی عضو ایک را باعث شده و آنها را به برخورد هائی با کارتهای نفتی کشانده است. مدتی پیش در جلسه ای که کشورهای عضو ایک در بیروت داشتند تصمیم گرفته شد که اقداماتی جهت جبران خسارات ناشی از کاهش ارزش دلار کبابین کشورها وارد شده، صورت گیرد. اعتراضات برخی از اینکشورها آنقدر بالا گرفت که آنان خواهان اتخاذ تصمیماتی راجع به سهم شدن در کلیه فعالیتهای شرکتهای عامل نفت شدند.

در چنین وضعی، شاه و رژیم منحوس او همراه با کشورهای دست نشانده ای مانند عربستان، خود را برای ایفای نقش انحصاری بشکانه و تفرقه اندازی نوینی آماده میکنند. پرده دوم خیانت مزدوران ایرانی امپریالیسم آمریکا و شرکتهای نفتی - که ده ماه پیش باعث تفرقه سازمان اوک و در برابر اتحاد شرکتهای نفتی شده و کفرانس و قرارداد خائنه و ضد ملی تهران را حاصل داد - اکنون بالا میرود. مقامات بانک مرکزی "به پیروی از اربابان آمریکائی خود فوراً اعلام میدارند که "این وضع (یعنی، تعلیق دلار و سیاست اقتصادی جدید نیکسون) در حال حاضر اصولاً (و) در ناختر ارزی ایران اثر نامطلوب نمیکند" (کیهان هوائی - ۲۵ مرداد ۱۳۵۰) و حتی رئیس گل بانک مرکزی، عبدالمعلی جهاننماهی، در روز سه شنبه ۲۳ شهریور اعلام میکند که "نوسانات پولهای بین المللی برای ایران اثر چندانی ندارد". (همانجا، ۲۴ شهریور) بدین ترتیب، مسئله متضرر شدن ایران و سایر کشورهای اوک را از بابت بحران بین المللی مالی و وضع نابسامان دلار حاشا کرده و نیز با آوردن اینگونه استدلالات که پرداختی شرکتهای نفتی بابت نفت بر حسب لیر مانگلسبی محاسبه شده و وضع لیره همچنان مستحکم است، میکوشد سر و ...

بقیه در صفحه ۱

۱- یکی از انحرافات اساسی روز

جدید التاسیسی است بنام "کارگر" که قسمت عمده سه شماره صرف اثبات تئوریک سرمایه داری بودن جامعه ایران و رد تئوریک مارکسیستی - لنینیستی نیمه فئودالی - نیمه مستعمره بودن جامعه ایران شده است. مندرجات نشریه نامبرده، چون به بهترین وجه ابتدال و بی پایگی تئوریک را با نشان میدهد، مثال خوبی برای بررسی ما است. در عین حال، نویسندگان این نشریه در بررسی نشاندن نظرات بغایت نادرست و غیر علمی خود، بزرگان مارکسیسم - لنینیسم بویژه رفیق مائوتسده و ن را مورد حمله قرار داده و بشیوه زیرکانه ای در قبال "مارکسیسم" علیه جنبش مارکسیستی - لنینیستی ایران و مارکسیست - لنینیستها درگیر مبارزه شده اند. از اینرو، برخورد باین نشریه و ناشرین آن که بناحق خود را "ناشر افکار کمونیستهای ایران" خوانده اند، شکل ویژه ای بخود گرفته و حسابشان با حساب کسانی که فقط در گپ و بحث مسائل راه را گم کرده و به گپ و تئوریک دچار شده اند کاملاً جدا است.

در سه شماره، نشریه "کارگر" یک ردیف مقالات تحت عنوان "یکی از مسائل اساسی روز" توسط "نوشین" نامی برشته تحریر درآمده که ظاهراً در خدمت اثبات تئوریک تئوریک "سرمایه داری شدن جوامع مستعمره و نیمه مستعمره توسط امپریالیسم"، منجمله تسلط مناسبات سرمایه داری در جامعه ایران، قرار گرفته اند. از اشارات و کلیات مختلفه ای که آقای نوشین به جنبش کمونیستی گذشته و حال میهن ما میزند که بقیه در صفحه ۲

در راه حل برخی مسائل مبهم

حدود یک سال ونیم و دو سال است که مبارزات خود بخودی کارگران و زحمتکشان میهن ما آغازین گرفته و سرفراز و رو نویسی از تشکیل تضاد های طبقاتی را در ایران نموده اند. در عرض این مدت، مبارزات سیاسی دانشجویان و برخی از اقشار حوره و بورژوازی شهری، که همیشه طلایه داران اولیه مبارزات سیاسی توده ایند، جایگاه معینی داشته و مشخصه اصلی این دوره بود ماند. حرکت سیاسی این اقشار علیه حکومت مطلقه شاه و نظام حاکم کفونی، در عین حال، معرف زمینه حرکت و تشدید فعالیت گروه ها و تشکلهای سیاسی مبارزیست که در مراحل اولیه پیدایش خود در میان دانشجویان و اقشار روشنفکری طبقه سبانه حال، خاصه خورد و بورژوازی کشور ما شکل میگرفتند. اکنون ده سال است که از فعالیتهای گروهی روشنفکری و ایجاد محافل و تشکلهای نوین سیاسی مبارز، منجمله آنانکه رسالت ادامه دهنده اندکی جنبش کمونیستی ایران را بعهده گرفته اند، میگذرد. برخی از این گروه ها در همان مراحل ابتدائی از هم پاشیده و

بقیه در صفحه ۷

از مسائل مهمی که مدتی است جنبش ما را بخود مشغول داشته، مسئله چگونگی ساخت جامعه ایران است. بسیاری از عناصر و گوههای سیاسی و مارکسیستی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، بسبب عوامل مختلفی که صحبت آن در اینجا ضروری نیست، در مورد خصلت نیمه فئودالی - نیمه مستعمراتی جامعه ما شک و شبیه بوجود آمده است. بدون شک شناخت صحیح و عمیقتر از خصلت اقتصادی جامعه ایران یکی از وظایف مسلم مارکسیست - لنینیست ها است و در این مورد، بحثهای مربوط باین موضوع که مدتی است در محافل جنبش ما رایج شده، قابل درک میباشد. مدتی است عده ای مطرح میکنند که جامعه ایران یک جامعه سرمایه داری است. طرح چنین تئوریک - بغایت انحرافی، بوده و با واقعیت جامعه ایران در تضاد است؛ در عین حال، بهائنگر یک نوع بی اعتنائی به تعالیم مارکسیسم - لنینیسم و بویژه آموزشهای رفیق مائوتسده و ن در مورد نقش امپریالیسم در جوامع استعمار زده میباشد. یکی از مبلغین بسیار پر حرارت تئوریک نامبرده نشریه

یک پیروزی دیگر

ورود جمهوری تودهای چین به سازمان ملل متحد که در اواخر اکتبر امسال انجام گرفت، یک پیروزی دیگر برای خلق چین بر امپریالیسم و بر سیاست منفرد کردن چین در سطح جهانی که توسط امپریالیسم آمریکا دنبال میشد، محسوب میشود. ورود چین بسازمان ملل نمایانگر سیاست صحیحی است که چین تودهای در صحنه روابط خارجی خود برای مبارزه علیه امپریالیسم بسرکردگی آمریکا برگزیده است.

امپریالیسم آمریکا که هدفش سرکوب مبارزات خلقهای جهان و محو کنونی سوسیالیستی یا پایگاههای انقلاب در سراسر جهان بوده و استعمار و غارت بیشتر ملل جهان را وجهه هم خود قرار داده، از همان اوان تشکیل جمهوری تودهای چین شروع به توطئه و دسیسه سازی علیه این پایگاه بزرگ انقلاب جهانی نمود. امپریالیسم آمریکا با پیش گرفتن سیاست منفرد کردن چین در سطح جهانی قصد داشت که در زیر فشارهای اقتصادی و سیاسی جمهوری جوان تودهای چین را خرد کرده و بزانود آورد. بدین مقصود، آمریکا از یکطرف، درصد در محاصره اقتصادی، سیاسی و نظامی چین برآمد و توسط چاکران دست بسینهاش پایگاههای نظامی در اطراف آن بوجود آورد و از طرف دیگر، با تجاوزات نظامی بوسید نوکرانی چون نپرو به چین سعی نمود که به ترتیبیک شده بر یک آن ضربه وارد سازد. آمریکا با سنگ اندازی در برابر برسمیت شناختن جمهوری تودهای چین و بجای آن، شناسائی در دسته جیا

بقیه در صفحه ۱

جنبش نوین کمونیستی را با مبارزات کارگران و دهقانان ایران پیوند میدهیم

یکی از ...

بگذریم (چون فعلا اینها مورد بحث ما نیستند) نویسنده نامبرده ظاهرا خواسته اند که تز مزبور را بترتیب زیر مورد بحث قرار دهند : ابتدا بررسی ایشان از خصوصیات رشد و عملکرد سرمایه داری بطور کلی برای بدست آوردن معیارهای تئوریک جهت اثبات تز فوق ؛ بعد، نظرات ایشان در مورد شرایط نوین سرمایه داری بین المللی یا امپریالیسم و بنابراین عملکرد نوین آن در ممالک استعمار زده نظیر ایران ؛ و بالاخره، چگونگی وظل تسلط مناسبات سرمایه داری در ایران (بنا بقول نویسنده) . ما نیز کوشش میکنیم که بهمین ترتیب ، ابداعات تئوریک و ادله و براهین " مارکسیستی " ایشان را مورد تفحص و بحث خود قرار دهیم .

ابتداء نویسنده مقاله ، آقای نوشین ، بچهار نظریه رایج مبنی بر اینکه چه ساخت اقتصادی در جامعه ایران وجود دارد ، اشاره میکنند . نظریه اول و دوم ساخت اقتصادی جامعه ایران را در گذشته فتوای ارزیابی کرده ؛ لیکن در زمان حال ، یکی رشد و توسعه مناسبات سرمایه داری و آند یگر ، وجود مناسبات نیمه فتوای - نیمه مستعمراتی را در جامعه ایران نشان میدهند . نظریه سوم و چهارم نیز در چگونگی وضع گذشته توافق داشته و آنرا " شیوه تولید آسیائی " (چیزی متمایز با فتوای ایسیسم) میدانند ؛ و اما در مورد ساخت کونی جامعه ایران اختلاف نظر داشته ، یکی تخمیری مشاهده نکرده و یادست کم تفسیرات بوجود آمده را ظاهری و سطحی میبیند و آن دیگری ، به تسلط مناسبات سرمایه داری در ایران معتقد است . پوشیده نباید گذار که نظر ما منطبق با آن نظریه ایست که جامعه ایران را بدستی در گذشته فتوای ارزیابی کرده و در زمان حال ، با دست اندازی امپریالیسم بایران ، بصورت مناسبات نیمه فتوای - نیمه مستعمرتی بیند . بحیثارت دیگر عملکرد سرمایه امپریالیستی در ایران ، اگر چه باعث تسریع در تولید شرایط مساعد برای رشد سرمایه داری داخلی شده و اساس اقتصاد در بسته فتوای را طی ضرباتی از هم پاشانده و میپاشاند و عناصری از کاپیتالیسم را تقویت میکند ، لیکن در مجموع مانعی در برابر رشد و توسعه سرمایه داری داخلی بوده است . امپریالیسم جامعه فتوای ایران را بمرصه اقتصادی سرمایه داری جهانی و تقسیم اجتماعی بین المللی کارکنان و پنجه سرمایه بین المللی را در قلب روابط فتوای ایران فرو برد ، و در عین حال ، از توسعه عرصه اقتصاد سرمایه داری داخلی و ایجاد تقسیم اجتماعی کار در جامعه ایران ممانعت بعمل آورده و میآورد . سه نظریه دیگر ، اگر فقط من در آوردی نباشند ، بی شک از یک درک غیرو بالکلیکی و عدم شناخت فتوای ایسیسم از یکسو و عملکرد سرمایه خارجی از سوی دیگر منتق شده اند .

آقای نوشین بعد از بیان نظرات چهارگانه فوق ، بدین آنکه نظر خود را در باره صورتبندی اقتصادی و اجتماعی گذشته ایران بطور روشن و صریح اعلام کند ، بمصداق سخن معروف حافظ که " جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه " (جنگی که علیرغم قول نویسنده مقاله یک بحث آکادمیک نبود ، بلکه معرفت خاصه بینشهای متفاوت و متضاد ایدئولوژیک و سیاسی است) ، راه باشتی بسته و میگوید : " البته در صورتیکه چگونگی مناسبات تولیدی که اکنون بر جامعه مسلط است برای همه روشن بوده و بر روی آن اتفاق نظر وجود داشت ، مسئله تحقیق در باره نوع مناسبات تولیدی در گذشته خود صرفا جنبه یک تحقیق آکادمیک میگرفت ، ولی با نظرات موجود وضع طور دیگری است . مثلا نظریه های ۲ و ۳ بر طبق اینکه آیا در ایران تولید آسیائی یا تولید فتوای وجود داشته است بکلی از هم پاشیده می شود ، و بعد آقای نوشین برای سازش دو نظریه فوق و پرده کشی بر موضع حقیقی خویش در این مورد ادامه میدهند : " در صورتیکه وجود مناسبات سرمایه داری هم میتواند از درون شیوه

تولید آسیائی و هم از درون تولید فتوای بر خیزد . " و آنگاه مارکس را نیز بشهادت طلبیده و مینویسد : " مارکس در این زمین در اثر بسیار صمیم خود اشکالی که بر تولید سرمایه داری بقدمتد ' مینویسد : ' اگر کار آزاد و مبادله این کار آزاد بسا پول ، بمنظور تولید مجدد پول و افزودن ارزش آن ... شرط وجود کار فردی و یکی از شرایط تاریخی سرمایه است ، جدائی کار آزاد از شرایط ابزکتیو تحقق آن - از وسائل کار و مواد کار - شرایط دیگر آن است . قبل از همه جدا شدن کارگر از زمین بمنابله لایر اتوار طبیعی اش بنابراین از بین رفتن مالکیت کوچک آزاد بر زمین و همچنین از بین رفتن مالکیت اشتراکی بر زمین که بر مبنای کون آسیائی قرار دارد . ' مارکس برای پیدا پیش سرمایه داری پیشرفت دو پروسه را تا سطح معینی ضروری میداند . یکی تبدیل پول بسرمایه و دیگری وجود کار مزدی و این هر دو هم در جوامع فتوای و هم در جوامعی که تولید آن بر مبنای شیوه تولید آسیائی صورت میگردد با در نظر گرفتن درجه رشد نیروهای مولده میسر است . " (تمام نقل قولها از " کارگر " ، شماره ۱) باید از آقای نوشین پرسید که مقصود ایشان از " هم در جوامع فتوای و هم در جوامعی که تولید آن بر مبنای شیوه تولید آسیائی صورت میگردد " چیست . منظور مارکس در اینجا ، خیلی ساده ، ضرورت برخاستن روابط سرمایه داری از جوامعیست که در آن مالکیت آزاد بر زمین و مالکیت اشتراکی بر زمین بنوع کون آسیائی وجود دارد و هیچگاه مارکس در باره فتوای ایسیسم متمایز با چیزی بنام شیوه تولید آسیائی که دارای خصصت غیر فتوای است ، صحبت ننموده است . مارکس خیلی روشن در مهمترین اثر خود " سرمایه " میگوید : " ساخت اقتصادی جامعه سرمایه داری از درون ساخت اقتصادی دی جامعه فتوای بیرون میآید . تلاشی ساخت اخیرالذکر عناصر ساخت قبلی را آزاد میکند . " (" سرمایه " - جلد ۱) از این موضوع بگذریم و برویم سر مسئله اصلی . ببینیم نویسنده مقاله " یکی از مسائل اساسی روز " چگونه در مورد خصوصیات رشد و عملکرد سرمایه داری بطور کلی نظر داده و برای اثبات تز " سرمایه داری بودن ایران " از مارکسیسم مساعدت میگردد .

قبل از هر چیز ، از خواننده هزیز خواستاریم که نقل قولی از مقاله نویسنده نامبرده را بخاطر داشته باشند ، چون ما در تحلیل بحث بعدی بدان نیازمندیم . آقای نوشین قبلا مرقوم داشته اند : " مارکس برای پیدا این سرمایه داری پیشرفت دو پروسه را تا سطح معینی ضروری میداند . یکی تبدیل پول به سرمایه و دیگری وجود کار مزدی ... پول در جریان مبادله ، تجارت تبدیل بسرمایه میگردد و ... جدا شدن کارگر از ' وسائل تولید و مواد تولید ' ، کارمزدی ، یعنی بازار کار را . مارکسیسم بما میآورد که جامعه سرمایه داری بر اساس دو پروسه فوق الذکر بوجود آمده است ، یعنی انباشت سرمایه در دست عده معدودی که بتدریج وسائل تولید جامعه را در دست خود متمرکز میسازند و جدا شدن رها یا و هاقین (وسایر تولید کنندگان مستقیم در شهر) از ابزار تولید ، زمین و وسائل معیشت خود که اکنون فقط در بازار قابل اکتیاف بوده و خود نیز برای ادامه زندگی راهی مگر فروش نیروی کار خویش - بیگانه دارائی باقیمانده ندارند . بدینسان ، دو طبقه در جامعه بتدریج شکل گرفته و طبقات اصلی جامعه را میسازند . این دو طبقه ، یکی سرمایه دار (صاحب سرمایه) و دیگری کارگر مزد بگیر (فروشنده نیروی کار) است . انباشت اولیه سرمایه بمنابله نقطه شروع سرمایه داری در سطح معینی از رشد تولید کالاها ، که دیگر شکل مسلط تولید را در جامعه یافته ، بوجود آمده و همراه با آن نیروی کار کارگر بمنابله کالا عرضه شده و بسا بازار کار ایجاد و گسترش پیدا میکند . بحیثارت دیگر ، دو پروسه فوق ، حقیقتا ، دو جنبه پروسه واحدی را تشکیل میدهند که آن جدا

شدن زحمکنش از وسائل تولید و معیشت خود است - که از یکطرف بصورت متمرکز وسائل و مواد کار در دست عده معدودی سرمایه دار و از طرف دیگر ، جدا شدن توده عظیمی از این وسائل و مواد و تبدیلشان به بیروترها تجلی مینماید . این پروسه ، در روستا بشکل تجزیه و قشر بندی نوین دهاقین و در شهرها بشکل ایجاد کارگاهها و کارخانه های سرمایه داری (بجای اصناف محصور گذشته) میباشد . بدینسان ، توسعه بازار کالا بابتدیل نیروی کار زحمکنش به کالا و صاحبان سرمایه بخیریداران این نیروی کار ، بازار کار را بوجود میآورد . در ضمن ، پروسه تولید بشیوه سرمایه داری مستلزم بازاریست برای خرید و فروش ابزار و مواد تولیدی ، متمایز از بازار کالا های مصرفی و بازار کار ، که جزئی از پروسه فوق الذکر بوده و سرپختراز اجزاء دیگر رشد و توسعه میابد . توسعه بازار کالا که سه رقم مواد مصرفی ، ابزار و مواد تولیدی و نیروی کار را در گردن قرار داده ، مجموعا ، توسعه بازار داخلی گویند . بازار داخلی مکانیسی است که رابطه میان خریداران و فروشندگان ، میان سرمایه و کار را تنظیم نمود مینماید و بر اساس رشد و دامنهای یک تقسیم اجتماعی کار در جامعه میباشد . بنابراین ، برای نشان دادن مناسبات سرمایه داری در جامعه میباید تکامل این تقسیم اجتماعی کار و توسعه بازار داخل را از ابتدای آن مورد بررسی قرار داده و سطح معینی که نمایانگر تسلط اینچنین مناسباتی است نشان داد . در حقیقت ، بسا بازار داخلی در نتیجه این تقسیم اجتماعی کار است که رشد و گسترش میابد . مارکس گفت : " بازار برای این کالاها در نتیجه تقسیم اجتماعی کار توسعه میابد . " (" سرمایه " - جلد ۳)

حال ببینیم آقای نوشین چه شیوه ای برای اثبات سرمایه داری در ایران اتخاذ میکند ؟ او میگوید : " تحقیق درباره این موضوع که آیا در ایران مناسبات سرمایه داری مسلط است یا نه میتواند حتی بدون شناخت دقیق از مناسباتیکه قبل از مناسبات سرمایه داری مسلط بوده است بعمل آید . زیرا در صورت وجود مناسبات سرمایه داری در جامعه ای تمام روابط اقتصادی و اجتماعی دیگر تحت تأثیر آن در میآید و در برتو آن قابل شناخت است و نه برعکس . مارکس درباره جامعه ای که بر آن مناسبات سرمایه داری مسلط است صرفنظر از درجه رشد آن میگوید : " بهره زمین بدون شناخت سرمایه قابل فهم نیست ولی فهم سرمایه بدون شناخت بهره زمین میسر است ، سرمایه نیروی اقتصادی حاکم بر تمام چیز های دیگر جامعه بورژوازیست ، سرمایه باید آغاز و انتهای تشکیل دهنده و قبل از مالکیت بر زمین مورد بررسی قرار گیرد . پس از آنکه هر دو بطور ویژه مورد ملاحظه قرار گرفتند آنگاه باید روابط متقابل بین آنها را بررسی نمود . " بدینترتیب برای تعیین این موضوع که آیا در ایران مناسبات سرمایه داری مسلط است یا نه نمیتوان از این نقطه آغاز نمود که آیا مناسبات فتوای (یا شیوه تولید آسیائی) در هم شکسته شده یا نه بلکه باید از عملکرد سرمایه آغاز نمود . " (" کارگر " - شماره ۱) بحیثارت دیگر برای نشان دادن رشد و توسعه سرمایه داری در ایران نیازی به بررسی تلاشی و تجزیه جامعه کهن فتوای و از جمله جامعه دهقانی و پیشرفت این پروسه تا سطح معینی نیست ، بلکه باید از عملکرد سرمایه آغاز نمود ! " چرا ؟ زیرا ، بشهادتی که آقای نوشین از مارکس طلبیده ، در جامعه بورژوازی بهره زمین بدون شناخت سرمایه قابل فهم نیست . " عجیب ! حضرت نوشین شما از کجا فهمیدید که جامعه ایران یک جامعه بورژوازی است که اکنون میخواهید بهره زمین را در برتو ارزیابی مناسبات سرمایه داری برای ماتوضیح دهید ؟ ! شما برادر ریتان را ثابت نکرده ادعای ارث و میراث میکنید ! مارکس در اینجا ، همانطور که خودتان توضیح داد ماید ، درباره ارزیابی بهره زمین در پرتو سرمایه در " جامعه ای که بر آن مناسبات سرمایه داری مسلط است صحبت میکنید ؛ حال آنکه ، مسئله ما تعیین خصصت بهره زمین در یک جامعه بورژوازی نیست و بلکه خود خصصت جامعه زیر علامت سؤال است .

یکی از ...

از خودتان جوابتان را تهیه کنیم: نویسنده " وجود محاسبات فتودالی (بخوانید: سرمایه داری) در ایران اثبات نکرده بلکه فرض نموده است. " ("کارگر" - شماره ۱) چند جمله بعد از نقل قول قبلی (آقای نوشین هیچ احتیاجی نمی بیند که برای اثبات تسلط سرمایه داری در ایران، برای ما، چگونگی درهم شکستن مناسبات فتودالی و درجه رشد این پروسه را نشانند. ایشان فرض میکنند که در جامعه ایران سرمایه داری مسلط است و آنگاه میخواهند خصلت بهره زمین را بما بازگو کنند - زیرا، بنا بقول ایشان، برای نشان دادن موجودیت سرمایه داری باید از موجودیت سرمایه داری شروع کرد! پس تمام آن صحبت های آقای نوشین که " پیدا این سرمایه داری پیشرفت دو پروسه را تا سطح معینی ضروری میدانند، یکی تبدیل پول به سرمایه و دیگری وجود کار مزدی، یعنی نشان دادن پروسه انباشت سرمایه و تجزیه دهقانان، یا بیک کلام، نشان دادن پروسه تقسیم اجتماعی کار که مولد بازار داخلی سرمایه داری است، همه حرف مفت بود. بیچاره لنین که برای اثبات سرمایه داری در جامعه روسیه، با بررسی چگونگی تلاشی جامعه دهقانی و توسعه بازار داخلی، بیپرونده وقت خود را برای نوشتن کتاب قطوری تلف نمود! اگر آقای نوشین بجای او بود، اول جامعه روسیه را سرمایه داری فرض میکرد و بعد میگفت بهره زمین از چه صیغه ایست و بدینسان اینقدر وقت گرانبهای لنین برای اثبات در هم شکستن مناسبات کهنه تلف نمیشد!!

ملاحظات آقای نوشین در مورد شیوه "قیاس" (که البته مقصودشان همان شیوه تشریح در منطق صوری است) بسیار جالب توجه است. همان طور که ایشان ملاحظه فرموده اند، این شیوه یک شیوه متافیزیکی بوده که " انسان را نیز به استثناء جات غلطی میکنند ... این متد پدیده ها و مفاهیم را بطور مجرد و در ظواهر آنها با هم مقایسه میکند از قیاس ظواهر پدیده ها میخواهد بماهیت خود پدیده ها بی برود. " ("کارگر" - شماره ۱) ایشان معتقدین به تز نیمه فتودالی - نیمه مستعمراتی بودن ایران را به بکار بردن این "منطق" تمهیم مینمایند. خواننده این قسمت را بخاطر داشته باشد، چون بعد برای بررسی منطق آقای نوشین به همین ملاحظات ماهمه نیازمندیم و فکر میکنیم خود ایشان جواب ما را از قبل تمهیمه دیده اند.

و اما چرا طرز استدلال برخی طرفداران تز نیمه مستعمره نیمه فتودالی بر پایه شیوه "قیاسی" (بخوانید: تشریح) میباشد: نویسنده "منطق" "کارگر" مینویسد: "استفاده از تحلیل مائوتسه دون در باره جامعه چین که در سال ۱۹۳۹ بنگارش در آمده است، صرف نظر از اینکه این تحلیل درست یا نادرست است، در سال ۱۹۷۰ حاکی از این حقیقت است که نویسنده مقاله 'توده' (که مجله ایست هوادار تز نیمه فتودالی - نیمه مستعمراتی) برای پدیده های اقتصادی و اجتماعی یک همان نندی مطلق، جامد و تغییر ناپذیر قائل است. در نظر نویسنده امپریالیسم ۱۹۷۰ با امپریالیسم ۱۹۳۹ هیچگونه فرقی ندارد. " ("کارگر" - شماره ۱)

آقای نوشین ما را بر حذر میدارند که استفاده از تحلیل مائوتسه دون در باره جامعه چین که در سال ۱۹۳۹ بنگارش در آمده است ... در سال ۱۹۷۰ حاکی از این حقیقت است که ... برای پدیده های اقتصادی و اجتماعی یک همان نندی مطلق، جامد و تغییر ناپذیر یعنی گرفتار شیوه استدلال تمثیلی (یا بقول ایشان "قیاسی") شده ایم! اگر اینطور است، خوب بود آقای نوشین ابتداء بخود برخورد مینمودند که میان سرمایه داری قرن هجدهم و نوزدهم اروپای غربی و سرمایه داری قرن بیستم (یعنی، امپریالیسم) هیچگونه فرقی نگذارند، و برای اثبات نظرات خود در سال ۱۹۷۰ از تحلیل مارکس در باره جامعه انگلستان که در نیمه قرن نوزدهم بنگارش

در آمده، استفاده میکنند. البته آقای نوشین معتقد نیستند که خودشان نیز شیوه تشریح را بکار بسته اند و " برای پدیده های اقتصادی و اجتماعی یک همانندی مطلق، جامد و تغییر ناپذیر" قائل شده اند! البته، ایشان بما اعتراض کرده و خواهند گفت: " امپریالیسم مرحله خاصی از تکامل سرمایه داری است و بنا بر آنچه ماهیت آنرا در هر دوره ای از رشد آن مشخص میکند و اهداف اقتصادی و سیاسی اش را معین مینماید همانا قوانین کلی سرمایه است. " ("کارگر" - شماره ۱) بنظر میرسد که اعتراض آقای نوشین این باشد، که تحلیل مارکس بیان کننده این قوانین کلی سرمایه داری بوده و در نتیجه، برای تحلیل سرمایه داری دوره کوتی (یعنی، امپریالیسم) میتوان از آن استفاده نمود. بسیار خوب، معترض عزیز! پس معلوم شد مخالفت شما با " استفاده از تحلیل مائوتسه دون ... در سال ۱۹۳۹" بر سر چیست: مخالفت شما این نیست که آن تحلیل در سال ۱۹۳۹ نوشته شده (چون تاریخ نگارش بخودی خود صحت و سقم چیزی را ثابت نمیکند)، بلکه صحبت بر سر اولاً، عامیت آن تحلیل در مورد جوامع استعمارزده، منجمله ایران و ثانیاً، چنانکه مرقوم فرموده اید بر سر " درست یا نادرست بودن آن حتی در مورد خود جامعه چین است. خیلی خوب شد که بنگنه اصلی رسیدیم، وگرنه در گریز از چانه زدن بر سر تاریخ نگارش متون مختلفه بیپرونده دعوا راه میافتاد.

از پاسخ بسؤال دوم شروع کنیم: آیا تحلیل مائوتسه دون از جامعه چین درست است یا نادرست؟ آقای نوشین موضع خود را، در سومین بخش مقاله خود ("کارگر" - شماره ۳) روشنتر بیان داشته اند، ایشان قضاوت کرده اند که: " بخشی از اپوزیسیون ایران ... بعد از آشنائی به نظرات مائوتسه دون در باره جامعه چین معتقد به تز ناصحیح نیمه فتودالی - نیمه مستعمره ... کافیسیت دیگر! موضعشان بحد کافی روشن است.

رفیق مائوتسه دون در تراز بندی جنبه های مختلف جامعه مستعمراتی، نیمه مستعمراتی و نیمه فتودالی چین (در رساله " انقلاب چین و حزب کمیونیست چین" - ۱۹۳۹) مشخصات جامعه نیمه فتودالی - نیمه مستعمراتی و مستعمراتی را اینطور فرموله کرده است:

۱- " اساس اقتصاد طبیعی خود کفایتی دوران فتودالی ویران شده است، ولی اساس نظام استثمار فتودالی - استثمار دهقانان بوسیله مالکان ارضی، نه تنها دست نخورده باقیست بلکه با پیوند با استثماریکه توسط سرمایه کمراد روربائی صورت میگردد، بطور روشنی در زندگی اجتماعی - اقتصادی چین تسلط دارد.

۲- " سرمایه ملی چین تا حدودی تکامل یافته. ... ولی سرمایه داری مذکور به شکل اساسی اجتماعی - اقتصادی چین مبدل نشده و هنوز بسیار ضعیف است و قسمت اعظم آن کم و بیش با امپریالیسم خارجی و فتودالیسم داخلی کشور مربوط است.

۳- " حکومت استبدادی امپراطورها و اشراف و اژگون شده است، ولی ابتداء سلطه میلیتاریستی و بوروکراتیک طبقه مالکان ارضی و سپس دیکتاتوری بلوک طبقه مالکان ارضی و بور - ووازی بزرگ جایگزین آن شده است.

۴- " امپریالیسم نه فقط شریان های حیاتی مالنی و اقتصادی چین بلکه قدرتهای سیاسی و نظامی کشور را نیز زیر کنترل قرار داده است ...

۵- " (در چین) ... از نظر تکامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی وضع فوق العاده ناموزنی در آن مشاهده میشود.

۶- " توده های وسیع خلق چین و قبل از همه دهقانان در اثر بیخ و دوگانه امپریالیسم و فتودالیسم ... روز بروز فقیرتر میشوند و حتی بسیاری از آنها خانه خراب نیکرند؛ آنها در گرسنگی و سرما بسر میبرند و از هر گونه حقوق سیاسی محرومند ...

این چنین است مشخصات جامعه نیمه فتودالی - نیمه مستعمراتی (و مستعمراتی) چین. انقلاب کبیر چین بر اساس این تحلیل از جامعه آن کشور بود که به پیروزی دست یافت (البته اگر آقای نوشین و سایر " ناشرین افکار کمیونیستهای ایران " معتقد بوقوع انقلاب پیروزند آنه ای در چین باشند!) . چنانچه این تحلیل و بنا بر این استنتاجات تئوریک و عملی از آن برای تعیین وظایف و نیروهای محرکه و سمت حرکت انقلاب چین نادرست میبود، پیروزی انقلاب میسر نمیشد. چگونه میتوان بر اساس یک تز نادرست، یعنی یک تئوری غلط، وظایف انقلابی را بدرستی انجام داده و آنرا بسر منزل پیروزی سوق داد؟ خود آقای نوشین نیز در این مورد با ما اتفاق نظر دارند، هنگامیکه میگویند " مارکسیستهای ایران بدون شناخت اوضاع و احوالی که از گذشته با رث رسیده و اوضاع و احوالی که امروز مستقیماً با آن روبرو هستند قادر نخواهند بود وظایفی را که انقلاب اجتماعی در ایران در برابر آنان قرار داده است بدرستی انجام دهند. تحلیل تئوریک از ساخت اقتصادی جامعه ایران، ماهیت طبقات ...، یک ضرورت تاریخی است. " و در چند سطر قبل گفته بودند: " برای تغییر آنچه که هست قدم اول شناخت آنست. " ("کارگر" - شماره ۱) - فعلاً بدرک ایشان در مورد اسلوب شناخت کاری نداریم (بنا بر این، پیروزی انقلاب چین مهمترین دلیل صحت تحلیلی است که مائوتسه دون از جامعه چین و ماهیت طبقات آن جامعه و غیره بدست داده. در غیر اینصورت، آقای نوشین باید حرف خود را پس بگیرند و قیسول کنند که بر اساس یک تحلیل و شناخت ناصحیح جامعه نیز میتوان به انجام وظایف انقلاب اجتماعی و تغییر انقلابی جامعه نائل آمد!

تحلیل رفیق مائوتسه دون از جامعه چین با واقعیات انکار ناپذیر جامعه چین ماقبل انقلاب با ثبات رسیده و پیروزی انقلاب دلیل نهائی صحت آنست. نه فقط مائوتسه دون، بلکه لنین نیز در خطوط کلی همین ارزیابی را از این جامعه بدست داده است، او میگوید: " ولی شرایط عینی چین شرایط کشوری عقب مانده، کشاورزی نیمه فتودالی در زندگی ملتی تقریباً نیم بلیونی فقط یک شک خاص و معین تاریخی این ستم و استتفا، یعنی فتودالیسم را در دستور روز قرار میدهد. " ("مارکس - اسی و نارود نیسم در چین" - تکیه بر عبارات از ماست) و در باره جنبه نیمه مستعمراتی این جامعه میگوید: " برای اینکه منظره کامل از تقسیم جهان را داده باشیم مفید میدانیم که مختصر اطلاعاتی هم در باره کشورهای مستعمراتی و نیمه مستعمراتی که ایران، چین و ترکیه را از آنجمله میدانیم بآن اضا کنیم. " (" امپریالیسم بنابه بالاترین مرحله سرمایه داری " - تکیه بر عبارات از ماست). حتماً، نویسنده "کارگر" با لنین هم مخالفت نخواهد نمود. باشد، ما بزودی از مارکس هم برای نشان شهادت خواهیم طلبید تا ببینیم که با هر گونه تظاهر به مارکسیسم الوداع گفته و ما را راحت گذارید.

ولی آیا تز نیمه فتودالی - نیمه مستعمره رفیق مائوتسه دون دارای جنبه عامیت بوده و مشخصات کلی جوامع فتودالی گذشته را که تحت نفوذ و تسلط سرمایه انحصاری بین المللی در آمده اند، بیان میدارد؟ دلیل صحت تز فوق در چیست؟ دلیل آن در انقلاب تمام آندسته کشورهای نیست که تحت نفوذ و تسلط امپریالیسم بوده و بر اساس تحلیل مشابهی که در مطابقت با تز رفیق مائوتسه دون است، توانسته اند به پیروزی نائل آیند. انقلاب آلبانی درست بر اساس چنین تحلیلی از جامعه و شکست تئوریک و سیاسی کسانیکه معتقد به سرمایه داری بودن جامعه آلبانی بودند، توانست به پیروزی رسد (رجوع شود بتاریخ حتی کار آلبانی) حزب کارگران ویتنام نیز در جمع بندی از تجربیای خود مینویسد: " کشور ما در زیر سلطه امپریالیستهای فرانسوی بیک کشور مستعمره و نیمه فتودالی مبدل شد. " و نیز در تحلیل

یکی از ...

خود از جامعه فعلی جنوب ویتنام نیز همین ارزیابی را بدست داده است. (رجوع شود به تاریخ حزب کارگران ویتنام) قوانین عام تر " نیمه فئودالی - نیمه مستعمره " نه تنها درجا چین، بلکه در کیه جوامع فئودالی سابق که قبل از تسدیل به سرمایه داری با امپریالیسم مواجه شده اند صدق میکند و مبارزاتی ظفر نمون خلقهای این جوامع بر این حکم شهادت داده و میدهند. در اینجا، صحبت بر سر ویژگی های هر جامعه نیمه فئودالی - نیمه مستعمراتی و یا نیمه فئودالی - مستعمراتی نیست. بدون شک، هر یک از این جوامع دارای خصوصیات ویژه خود میباشند که میباید بطور جداگانه مورد بررسی قرار گیرند. لیکن آنچه در میان آنها مشترک است خصوصیات عام و قوانین کلی حاکم بر این جوامع است و کشور ما، ایران نیز، از این حکم مستثنی نبوده و نمیتواند باشد. آقای نوشین و سایر " ناشرین افکار کونیستی " ایران " باید تمام انقلابات پیروز شده این جوامع را که بر اساس تر فوق الذکر هدایت شده و بزرگترین اندیشمندان و آموزگاران مارکسیسم-لنینیسم و رهبران پرولتری مانند مائوتسه دون، انور خوجه، هوشی مینه و سایرین را نفی نمایند تا بتوانند حرف پیچ و بی پایه خود را بکرسی نشانند.

امپریالیسم مرحله ای از سرمایه داریست که در آن صدور سرمایه بکشورهای عقب مانده اهمیت شایان توجهی یافته و مکمل صادرات کالا باین کشورها میشود (فعلا، صدور کالا و سرمایه بکشورهای گاپیتالستی مورد نظر ما نیست) . با ورود سرمایه خارجی باین کشورها، نوین ترین شیوه تولید در جوار شیوه ها تولیدی کهن وارد شده و با بندهای اقتصادی، مالی و غیره وابستگی اقتصادی این کشورها را به امپریالیسم تأمین میگردد. این وابستگی اقتصادی را میتوان در واسطای خارجی، شبکه بانکی وابسته ببندهای امپریالیستی، اتکاء کشور به صادرات مواد خام (نفت) و غیره مشاهده کرد. اقتصاد وابسته این کشورها بانضمام وابستگی های سیاسی، نظامی، فرهنگی و غیره با امپریالیسم خصلت نیمه مستعمراتی و یا مستعمراتی این کشورها را بازگو میکند. احتیاجی که امپریالیسم باین جوامع دارد اینست که از آنها میخواهد برای او بمثابة مصرف کننده کالا های ا و باقی مانده و مواد خام و کارگر ارزان تأمین کند. بدین طت، امپریالیسم از یکسو، نوین ترین اجناس مصرفی و محصولات صفا خود را برای فروش بدین کشورها صادر کرده و از سوی دیگر، خواهان عقب ماندگی کشورهای نیمه مستعمره و مستعمرات است در تزه های ششمین کنگره بین المللی کونیستی در مورد جنبش جنبش انقلابی در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره میخوانیم: " امپریالیسم در همه جا میکوشد کیه اشکال استثمار ما قبیل سرمایه داری را (بویژه در ده) که اساس موجودیت متحدین مرتجع وی را تشکیل میدهد، حفظ کند و دوام بخشد. " و استالین نیز بد رستی میگوید: " امپریالیسم با مجموع قدرت مالی و نظامی آن در چین نیروی است که از بقایای فئودالی با تمام رونمای بوروکراتیک و میلیتاریستی آن پشتیبانی میکند، بآن الهام میبخشد، آنرا میپروراند و حفظ میکند. " (در باره دورنمای انقلاب چین) نیز، لنین بارها به تسلط مناسبات کهن در این جوامع اشاره کرده است، او میگوید: " مهمترین مشخصه این کشورها آنست که در آنها مناسبات ماقبل سرمایه داری تسلط دارد. " (تکیه بر کلمات از ماست) و نیز در طرح اولیه تزه های مربوط به مسئله ملی و مستعمراتی " خاطر نشان میسازد: " در مورد کشورها و ملت هایی که در حالت عقب ماندگی بیشتری هستند و مناسبات فئودالی یا پد رسالاری و مناسبات دهقانی - پد رسالاری در آنها تفوق دارد، ... " (تکیه بر کلمات از ماست) بنا بر این، علمبرض خواست آقای نوشین و سایر " ناشرین " صحت تر مورد بحث را آموزگاران کونیسم علی شهادت داده ماند و خصلت نیمه مستعمراتی و مستعمراتی جوامع عقب مانده را که در آنها استثمار سرمایه داری

امپریالیستی در جوار و با حفظ اشکال کهن استثمار فئودالی و نیمه فئودالی بسط میابد خاطر نشان ساختنند. آقای نوشین علاقتندی خاصی به مارکس نشان میدهند و برای اثبات نظرات خود دائما به مارکس اشاره میکنند! ولی بهینیم مارکس در این مورد چه گفته است: " ولی خلقهایی که هنوز به اشکال عقب مانده کار بردگی و بیگاری و غیره تولید میکنند، همینکه بی بازار جهانی که در آن شیوه تولید سرمایه داری تسلط دارد و فروش محصولات در خارج از کشور مورد توجه حکا این شیوه تولید است، جلب میکنند، بفجایم وحشیانه بردگی ورعیتی و غیره در داخل این خلقها فجاجیم تانی از کار طاقت فرمای جهان متدن نیز افزوده میگردد. " (سرمایه - جلد ۱، تکیه بر عبارات از ماست) می بینید! مارکس صحبت از نابودی شیوه کهن استثمار در اثر ورود سرمایه داران خارجی باین جوامع نکرده است، بلکه صحبت از " افزوده گردیدن " میکند. کجا دیگر مانده است برای شما، آقای نوشین، که خودتان را بدان آویزان کنید؟

جنبه عامیت تر نیمه مستعمره - نیمه فئودالی رفیق مائو تسه دون را در مورد ایران یادآوریم، آیا مشخصات ۶ گانه ای که قبلا از مائوتسه دون (" انقلاب چین و حزب کمونیست چین ") آورده ایم، میتواند خصلت عمومی جامعه ایران را بیان کند؟ فکر نمیکنیم که وجوه ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ - یعنیسی، ضعف سرمایه داری ملی ایران، سلطه میلیتاریستی و بوروکراتیک حکومت، نفوذ و کنترل شریانهای مالی، اقتصادی، سیاسی و نظامی کشور توسط امپریالیسم، ناموزونی فوق العاده در تکامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و فقر روز افزون و خانه خرابی مزمن و بی درین توده های وسیع خلقهای ایران - مطالب اصلی مورد بحث فعلی ما باشد. هسته اصلی بحث، بدون شک، بدو مسئله خصلت استثمار در جامعه روستائی میگردد، و در همین جاست که باید حسابها را روشن نمود و بدینسان درک خود را در مورد جامعه ایران و حتی وجوه ۶ گانه دیگر توضیح داد. مائوتسه دون میگوید که در جامعه نیمه مستعمره - نیمه فئودالی (چین) " اساس نظام استثمار فئودالی - استثمار دهقانان بوسیله مالکان ارضی، نه تنها دست نخورده باقیست بلکه با استثمار کهرادوری و ربائی پیوند دارد. آیا بیان چنین حقیقی در مورد روستای ایران نیز صادق است؟ " ناشرین افکار کونیستهای ایران " میگویند، نه! ما میگوئیم، بلی! آچرا؟ بررسی اقتصاد کشاورزی ایران نشان میدهد که تمام وجوه مشخصه یک جامعه نیمه فئودالی، یعنی باوروی نازل کتا روزی، سطح پائین و بسیار کوچک اضافه کار و در عین حال تر فوق العاده شدید استثمار در دهات ایران حکمفرما است. رشد میزان تولید کشاورزی بجزور از ۱/۵ - ۲ درصد بالاتر میرود، و حتی در دهسال اخیر (که اینقدر در باره " اصلا - حات ارضی " بوق و کرنا زده شد) در همین حدود - بلکه نزولی - سير کرده است. میزان تولید گندم از هر هکتار زمین زراعتی ۱ تن میباشد که در مقایسه با کشورهای پیشرفته قابل مقایسه نیست.

مثلا، در مورد مقدار محصول گندم در هر هکتار زمین، ما چند روستا در نقاط مختلف کشور را در زیر میآوریم (آمارها بر مبنای ارقام گزارش شده در مجله " تحقیقات اقتصادی داد نشگاه تهران " است - که البته، از مبالغه های نویسندگان این مجله صرف نظر میکنیم):

مقدار محصول گندم در یک هکتار (به کیلو)	نام ده
۸۶۴	زید انلو (قوچان)
۱۲۰۰	شوکت آباد (بیرجند)
۷۵۰	قرمز تپه (رومین)
۴۰۰	نیک پی (زنجان)
۱۰۵۰	معدل (مرند، میاندواب)

۱۲۰۰	شهره ور (اردبیل)
۱۵۰	دیل علیا (زفول)
۳۳۰	تاج آباد (همدان)
۷۵۰	کلجوبیلیا (شاپادغرب)
۲۴۰	سریش آباد (کردستان)
۵۶۰	نوک جوب (بلوچستان)

بازده متوسط محصول گندم در ایران (که خوراک عد و اهالی را در ایران تشکیل میدهد) در مقایسه با بازده آن در کشورهای پیشرفته سرمایه داری مانند هلند، بلژیک، کانادا و ژاپن و غیره بسیار نازل بوده و تا حدود ۱/۱۰ و ۱/۱۰۰ حتی کمتر میباشد. بازده محصول در ایران حتی نسبت بکشورهای عقب مانده و مشابه آمریکای لاتین، مانند آرژانتین نیز در سطح نازلی میباشد (آرژانتین: ۱۳۲۰ و متوسط ایران: ۹۳۰ - " ما - لکیت و بهره برداری از زمین در ایران " - ۱۳۴۸) و این خود نشاند هنده اینست که ایران نه تنها کشوری عقب مانده، بلکه در ردیف عقب مانده ترین کشورهای دنیای استعمارزده است. برای نشان دادن سطح بسیار نازل و کوچک اضافه کار (معادل اضافه ارزش) که معرف بکار برد ابزارهای عقب مانده تولید و قرون وسطائی بودن شیوه تولید در کشاورزیست، ما میتوانیم بارقام بدست آمده در گزارشهای " گروه تحقیق در مسائل اقتصاد کشاورزی " (" مجله تحقیقات اقتصادی ") رجوع کنیم. چند ده در نقاط مختلف کشور را مثل میزنیم (از مبالغهات " گروه تحقیق " میگذریم):

در ده تاج آباد همدان، که اصلاحات ارضی هم شده، ۵۰ خانوار صاحب نسق وجود دارند. بنا بر گزارش مزبور، در آمد سالانه این ۵۰ خانوار از کار زراعتی برابر با ۵۸۱۷۰۰ ریال میباشد. در گزارش مزبور، هزینه بذر برابر با ۱۰۷۲۵۰ ریال و نیز پرداخت بابت مزد کارگر (بتعداد ۱۰ کارگر دائمی) ۱۲۰۰۰۰ ریال در سال میباشد. لیکن، مقدار هزینه امرار معاش خانوارهای روستائی داده نشده. بنا بر این ما فرض میکنیم که هزینه امرار معاش یک خانوار صاحب نسق روستای بوق حداقل در سطح کارگر استخدام شده او بوده (با فرض اینکه مزد سالانه کارگران فوق خرجی خانواده اش را نیز میدهد - که البته نمیدهد!) و برابر ۱۲۰۰۰ ریال در سال باشد. بنا بر این هزینه امرار معاش ۵۰ خانوار صاحب نسق حد اقل ۶۰۰۰۰۰ = ۱۲۰۰۰۰ x ۵۰ ریال میباشد. گزارش هزینه های دیگر، منجمله استهلاك ابزار تولید و تأمین معاش و نگهداری گاوها و غیره را ذکر نکرده است - داشتن حساب این هزینه ها مقدار کل هزینه دهقانان را حتی باز هم بهینتر نشان میداد. بهر حال، ما از این هم چشم پوشی میکنیم.

بنابراین:

در آمد زراعتی	۵۸۱۷۰۰ ریال
هزینه ها:	
۱- بذر	۱۰۷۲۵۰
۲- مزد	۱۲۰۰۰۰
۳- هزینه امرار معاش ۵۰ خانوار	۶۰۰۰۰۰

جمع هزینه ها: ۸۲۷۲۵۰ ریال
 اکنون، چنانچه ما فقط در آمد زراعتی را بحساب آوریم (۵۸۱۷۰۰ ریال) خواهیم دید که آن پاسخگوی هزینه های وسائل تولید و وسائل امرار معاش (۸۲۷۲۵۰ ریال)، آنهم در سطح بسیار حد اقل (و با چشم پوشی سایر هزینه ها)، نبوده و بمقدار ۲۴۵۵۵۰ ریال کسری دارد - چه رسد باینکه در جستجوی اضافه کار (یا اضافه محصولی) باشیم. بدینسان، بخوبی میتوان دید که دانشه زراعت دهقان آنقدر کوچک و بازده کار و تولید زراعی باندازه ای نازل است که حتی حداقل معیشت دهقانان را نیز تأمین نمیکند. روی این اصل، دهقانان مجبورند بکارهای دیگر دست زده (در این ده، دامداری بقیه در صفحه

به پیش در جهت وحدت

یکی از ...

و قالیبافی) و نیز با گرفتن وام با بهره سنگین نه تنها خود را زنده نگه دارند ، بلکه قادر باشند که بهره مالکانه اربابان و اقطاع دولت را بابت "اصلاحات ارضی" ، با اضافه بهره های و امپا ، اقطاع کرایه گاو (برای برخی از آنها) و سایر عوارض و سیورسات را ببرد ازند . در همین ده ، بهره مالکانه برابریا ۳۳۹۹۷/۵ ریال و قسط سالانه "اصلاحات ارضی" برابریا ۲۴۰۰۰ ریال میباشد (سایر عوارض را "گروه تحقیق" گویا قوت داده است) .

چند ده دیگر را بطور خلاصه ذکر میکنیم (از ارقام " همانجا" و با چشم پوشی از برخی هزینه ها که داده نشده است) :

درآمد سالانه زراعی ۹۰ خانوار صاحب نسق شمسن آباد (بهیور بلوچستان) : ۶۸۹۶۰۰ ریال
هزینه ها :

- ۱- بذر ۸۰۱۹۰
- ۲- هزینه لوازم کشاورزی و خدمات عمومی ۲۰۰۰۰
- ۳- مزد کارگران ۱۲۰۰۰
- ۴- هزینه امرار معاش ۹۰ خانوار ۱۰۸۰۰۰۰ (مانند قبل محاسبه شده)

جمع هزینه های وسائل تولیدی و مصرفی ۹۰ خانوار فوق : ۱۲۰۲۱۹۰ ریال

بنابراین معادل اضافه کار زراعی ۵۱۲۵۹۰- ریال (کسری) .

برخی از دهقانان ده فوق بیبغداری نیز میرد ازند که از آن بابت ، تا حدودی کسری خود را جبران میکنند (همچنین گرفتن وام و غیره) . مقدار عوارض و اقطاع مختلفه که نشاندهنده مقدار استثمار است داده شده ، مگر قسط "اصلاحات ارضی" (برابر با ۱۱۰۱۰۰ ریال در سال) .

درآمد سالانه زراعی ۴۲ خانوار صاحب نسق قسار (سنندج) : ۲۷۹۰۰۰ ریال
هزینه ها :

- ۱- بذر ۵۴۶۰۰
- ۲- هزینه امرار معاش ۴۲ خانوار (مانند قبل محاسبه شده) ۵۰۴۰۰۰ ریال
- "گروه تحقیق" طبق معمول مخارج دیگر را قوت داده است)

جمع کل هزینه های وسائل و مواد تولیدی و مصرفی ۴۲ خانوار فوق : ۵۵۸۶۰۰ ریال

بنابراین ، مقدار اضافه کار زراعی : ۲۷۹۶۰۰- ریال (کسری)

دهقانان صاحب نسق بکار دامپروری نیز میرد ازند و بدینسان جبران مخارج و شکم مفتخوران محلی و دولت را تامین میکنند . "گروه تحقیق" طبق معمول مقدار همه عوارض سیورسات و مقدار اصل و بهره وامپا و غیره را نداده است ؛ فقط مقدار قسط "اصلاحات ارضی" را داده که آن برابر ۴۰۰۰۰ ریال در سال است .

درآمد سالانه زراعی ۱۰۸ خانوار صاحب نسق "نوک جوب" (بلوچستان) : ۱۱۱۵۴۴۰ ریال
هزینه ها :

- ۱- بذر ۱۱۸۷۶۴
- ۲- کرایه دام شخم ۶۵۰۷۳
- ۳- اجاره تراکتور ۵۰۰۰
- ۴- مزد کارگر ۲۲۵۰۰
- ۵- هزینه خدمات عمومی ۲۴۸۰۰
- ۶- هزینه امرار معاش ۱۰۸ خانوار (مانند قبل محاسبه شده) ۱۲۹۶۰۰۰

جمع کل هزینه های وسائل و مواد تولیدی و مصرفی ۱۰۸ خانوار فوق : ۱۵۷۲۱۳۷ ریال

بنابراین ، مقدار اضافه کار زراعی : ۴۵۶۶۹۷- ریال (کسری)

دهقانان ده فوق ، بیباغ داری و دامداری (گاوشیرده) نیز میرد ازند (درآمد باغداری : ۳۳۶۰۰ ریال و گسارو شیرده : ۲۰۰۰۰۰ ریال) . حتی اگر این درآمد های اضافی را نیز در محاسبه بیاوریم ، جمع درآمد ۱۰۸ خانوار صاحب نسق "نوک جوب" برابر با ۱۳۴۹۰۴۰ ریال میشود که باز تکافوی هزینه ها را نینماید . "گروه تحقیق" طبق معمول تمام آنچه را که بحیب مفتخوران محلی و دولتی میروند نداده است ، مگر قسط سالانه "اصلاحات ارضی" معادل ۲۱۸۶۷۰ ریال و قسط باغ معادل ۱۸۶۵۰ ریال .

درآمد سالانه زراعی ۴۰ خانوار صاحب نسق "دو-حصاران" (فردوس - خراسان) : ۴۶۰۲۰۰ ریال
هزینه ها :

- ۱- هزینه تولید ۳۲۷۰۰ ریال
- ۲- هزینه امرار معاش ۴۰ خانوار (مانند قبل محاسبه شده) ۴۸۰۰۰۰

جمع کل هزینه های تولیدی و مصرفی ۴۰ خانوار فوق : ۵۱۲۷۰۰ ریال

بنابراین ، مقدار اضافه کار زراعی : ۵۲۵۰۰- ریال (کسری)

دهقانان فوق علاوه بر فعالیت زراعی بکارهای دیگر نظیر دامداری و صنایع خانگی میرد ازند . از بابت مفتخوران ، "گزارش" دو رقم ، یکی بهره مالکانه (۱۷۴۳۰۱ ریال) و سهم موقوفه (۵۳۷۴ ریال) را ذکر کرده است .

با توجه به نمونه های فوق میتوان دریافت که تا چه حد مقدار برداشت محصول از زمینهای زراعی ناچیز بوده و اضافه کار (یا ارزشی) باقی نماند . در دهاتی که اضافه کار زراعی موجود است ، این مقدار بسیار ناچیز بوده و تکافوی احتیاجات دهقانان را از بابت پرداخت سهم مالک ، اقطاع "اصلاحات ارضی" ، بهره وامپا و سایر عوارض و سیورسات محلی ، دولتی ، "عمرانی" و غیره نینماید . درجه استثمار آنقدر شدید است که اکثر دهقانان مجبورند حتی قسمتی از مخارج زندگی و تأمین معاش خود و خانواده خود را نیز به مفتخوران محلی و دولتی بپردازند (حتی گاه با محاسبه درآمد هائیکه از کارهای غیر زراعی بدست میآورند) . البته این حکم در مورد دهاقیس مرفه و میانه حال مرفه که اقلیت ده را تشکیل میدهند صدق نمیکند . برای رسیدن بیک تصویر واقعی از وضع دهقانان نسق دار و بازده مزارع آنها ، در تحقیقت ، میبایست حساب درآمد و مخارج آنها را با حساب دهقانان مرفه ، منجمله که خدای ده که در ارقام فوق منظور شده ، جد کرد . ابزار عقب مانده و استثمار شدید دهقانان توسط مالکان ، دولت دست نشانده و مأمورینش که با استثمار سرمایه ربائی و تجاری (و در برخی نقاط ، اسپریا- لیبستی) توأم شده مانع رشد اقتصادی دهات ایران گردیده است . توده کثیر دهقانان ایران فقیر و میانه حال فقیراند و بانضمام کارگران ده و خوش نشینانی که در دهات فراوان اند ، درصد عظیمی را تشکیل میدهند . بررسی مشاهده ای صمد بهرنگی از پنج ده آذربایجان (کوخالی ، موالی ، ساری قیه ، آشلنی چیلدن و چینار) را اگر در نظر بگیریم ، باید محاسبه ساده میتوان

نشان داد که درصد فوق برای این دهات بیشتر از ۹۵ درصد میباشد . دهات مورد بررسی در "گزارش گروه تحقیقتی" ("مجله تحقیقات اقتصادی") نیز نمونه دیگریست . یکی از مشخصات اقتصاد عقب مانده کشاورزی که معرفی قرون وسطائی بودن ابزار تولید است ، سطح کوچک ترکیب ارگانیک (سرمایه) آن میباشد . ترکیب ارگانیک که اجزاء آنرا

جمع کل هزینه های وسائل و مواد تولیدی و مصرفی ۴۰ خانوار فوق : ۵۱۲۷۰۰ ریال

در اقتصاد سرمایه داری ، سرمایه ثابت (ابزار تولید و مواد تولید) و سرمایه متغیر (نیروی کار) میباشد ، چنانچه در مورد اقتصاد نیمه فئودالی بکار برده شود ، درصد ناچیزی را نشان خواهد داد - یعنی ، قسمت اعظم آن حاصل کار مستقیم کارگر و دهقان است . در اینجا ما پنج ده را مثال میزنیم و درصد سرمایه متغیر (یعنی معادل مزد کارگر و هزینه حداقل امرار معاش دهقانان) را محاسبه میکنیم (ارقام از مجله "تحقیقات اقتصادی") :

تذکره - ارقام روی خط کسری نشاندهنده هزینه امرار معاش (مصرفی) و ارقام زیر خط کسری نشاندهنده جمع کل هزینه (تولیدی + مصرفی) هستند .

- روستای تاج آباد : $\frac{۸۲۷۲۵۰}{۷۴۰۰۰۰} = ۸۷\%$ (همدان)
- روستای شمس آباد : $\frac{۱۰۹۲۰۰۰}{۱۲۰۲۱۹۰} = ۹۰\%$ (بهیور بلوچستان)
- روستای کله جوب علیا : $\frac{۱۵۳۶۰۰۰}{۲۳۶۳۷۵۰} = ۶۵\%$ (شاه آباد غرب)
- روستای نوک جوب : $\frac{۱۳۱۸۵۰۰}{۱۵۰۷۳۴۸} = ۸۷\%$ (بلوچستان)
- روستای دو حصاران : $\frac{۴۸۰۰۰۰}{۵۱۲۷۰۰} = ۹۳\%$ (فردوس)

ارقام فوق نشاندهنده درجه پائین ترکیب ارگانیک اقتصاد کشاورزی (۱۳٪ ، ۱۰٪ ، ۳۵٪ ، ۷۷٪ ، ۹۰٪) حتی کوچکتر از نمونه هائی است که در چین قبل از انقلاب بوده ، رجوع شود به "اجاره زمین در چین ماقبل آزادی" - جن پوتن (و وسائل تولید زراعی بخایت عقب مانده در روستای ایران میباشد .

بدینسان ، مشخصات اصلی اقتصاد نیمه فئودالی - نیمه مستعمراتی ایران (همچون دوران فئودالی گذشته) عبارتند از : بازده نازل کار در کشاورزی ، اضافه کار (ارزش اضافی) ناچیز (باد نظر گرفتن سایر فعالیتهای اقتصادی در روستا توسط دهقانان) و در عین حال ، درجه بسیار زیاد استثمار مالکین ، دولت نیمه مستعمراتی توأم با رباخواران و تجار و غیره نه تنها اضافه ارزش حاصله از فعالیتهای کشاورزی دهقانان را میبرد ، بلکه بهرینه امرار معاش آن (کار لازم) نیز تجاوز میکند . ایسین بهیچوجه ، استثمار سرمایه داری نبوده ، بلکه بدترین و بد همتنا - کترین شکل استثمار وحشیانه فئودالی است که در ایران بر اساس مزارع ، اجاره و غیره قرار گرفته است .

جالب اینجاست که در برخی دهات مقدار قسط "اصلاحات ارضی" حتی بیشتر از مقدار بهره مالکانه سابق بود ، راست ، برای مثال در مجله "تحقیقات اقتصادی" در مورد ده "قار" از شهرستان سنندج میخوانیم : "زارعان در دهسال قبل مجموعاً ۲۳۲۲۰ ریال در سال بهره مالکانه میرد ازند حال آنکه ، اکنون بابت قسط سالیانه اصلاحات ارضی ملزم بپرداخت ۴۰۰۰۰ ریال هستند ."

آقای نوشین و سایر "ناشرین" هم مسلک ایشان هرچقدر دلشان میخواهد در مورد تسلط مناسبات سرمایه داری و بهره کاپیتالیستی زمین حکم صادر نمایند . واقعیت حکم دیگری را کرده است . شکل عده بهره مالکانه در ایران بهیچوجه دارای خصلت سرمایه داری نیست ، و فقط برخی وجوه آنرا آنهم در برخی نقاط میتوان یافت . بهره کسکی مالکان و حتمی دولت بورژوا - فئودال ایران بشیوه مزارع ویا اجاره جنسی و نقدی صورت میگردد . بهره کسکی بشیوه مزارع که بر اساس تقسیم پنج عامل زمین ، آب ، گاو ، بذر و کار قرار گرفته تاکنون شکل مسلط استثمار مالکین از دهقانان بوده و حتی در اصطلاح "واحد های زراعی روستائی" همین شیوه ، منتها باشک تو و بصورت متشکل ، اجراء میگردد . در سالهای اخیر استثمار بشیوه اجاره کسرتن بیشتری یافته و بموجب "اصلاحات ارضی" در املاک واقعی راه یافته است . بهره مالکانه در بسیاری نقاط و سیورسات در مورد گندم و سایر محصولات که مالک میتواند با آن بازاریابی

یکی از ...

بیرفایده ای بکند بشکل جنسی است. گاه مالکان حتی بسجای بهره مالکانه انبساط محصولات صیفی، گندم از دهقانان میگیرند، چون معامله گری روی آن برایشان بیرونفت تراست. غنایلیه دهقانان نیز مجبورند باین شکل سهم مالک را بدهند، زیرا نه نقدی باندازه کافی دارند و نه دستیابی به بازارهای دور دست شهرکها و شهرها کار ساده ایست. اگرچه، مزارعه بر اساس هوال پنجگانه قرار گرفته، لیکن ارزش هر عامل ونحوه تقسیم محصولا بهیچ وجه در همه جا و در مورد محصولات متفاوت یکسان نبوده و هموا (علیرغم برخی قوانین مربوطه) بستگی به سنت محلی و آرزو طعم استثمارگر دارد. نحوه تقسیم محصولات صیفی باشتوی، آبی بادویی، محصولات تابستانی با پاییزه، مناطق گرمسیر با سردسیر و غیره تفاوت میکند و طرق مختلف آبیاری (چاه، قنات، آب رودخانه پاییزه) در مقدار بهره تأثیر دارد. اضافه بر بهره مالکانه، مقدار معتدلی از محصولات بابت سهم کدخدای محل، مأمورین دولتی وغیره از دست دهقانان بدور میرود. دهقانان از بابت بهره های سنگین وامهایی که اجبارا از رباخواران (که گاه همان مالک و بانکهای صرافی دولتی و خصوصی است) بابت استقراض میشوند. روستای ایران هنوز دارای یک شکل اقتصاد نیمه طبیعی بوده و بازارهای محلی شکل بدوی دارند. اقدامات اخیر دولت در مورد ایجاد شرکتهای تعاونی روستایی و غیره فقط باعث تلاشی شدن بیشتر پیشدکانان، پبله و ران و مانند آنها در دهات و گسترش انحصار کمرادوری - بوروکراتیک بازار میشوند؛ لیکن بهیچوجه، مسئله ارضی را که اساس ناپودی بساط فئودالیسم است از بین نخواهد برد. علاوه بر شکلهای جنسی و نقدی و بهره کسی، در برخی نقاط مانند پارامید هات سیستان، کرمان، دهات پرت افتاده خراسان، آذربایجان وغیره بیکاری وجود دارد. بیکاری کشیدن از دهقانان توسط مالکین و مأمورین دولتی بصورت چند روز کار در رسال در زمین باباغ ملاکین، پاک کردن کاربازها و قنات، ساختمان راهها و شوارع وغیره دیده میشود.

مارکسیسم بما میآموزد که در اقتصاد و توزیع اجاره وجود دارد: اجاره در میزان تولید که نتیجه اختلاف میان باوروی زمین (مرغوبت وغیره) و پانتیجه سرمایه گذاری اضافی و رشد وتوسعه فنی زمین بوده، و اجاره مطلق که محصول انحصار مالکیت خصوصی بر زمین میباشد. بادستیابی به آمارهای مربوط به بهره مالکانه در ایران بخوبی میتوان نشان داد که تفاوت میان این دو نوع اجاره، بسبب ضعف سرمایه داری داخلی ایران و تسلط استثمار فئودالی ونیمه فئودالی، بخوبی مشهود نیست. برای مثال، تناسب میان بازده محصول گندم در هر هکتار زمین زراعی و درصد بهره مالکانه را در مورد چند نمونه از دهات در استانهای مختلف ایران میآوریم (درصد بهره که از جمله "تحقیقات اقتصادی" گرفته شده خیلی کم نشان داده شده، لیکن در اینجا نشان دادن تناسب فوق الذکر مورد نظر ماست - همچنین بررسی بازده محصول گندم را انتخاب کرده ایم، چون در اغلب نقاط کشت میشود):

دهات	بازده هر هکتار (گندم)	درصد بهره مالکانه
آذربایجان:		
بسنگیسن (مرند)	۱۴۴۰	۳۳/۳
شهره ور (اردبیل)	۱۲۰۰	۳۳/۳
مه دل (مرغه، میانده و آب)	۱۰۰۰	۳۳/۳
کرمانشاه:		
ناظر آباد (کرمانشاه)	۱۰۰۰	۳۸
ده پهن (کرمانشاه)	۹۰۰	۳۳/۳
کلهچوب علیا (شاه آباد غرب)	۷۰۰	۲۵
خراسان:		
دوحصاران (فردوس)	۱۸۰۰	۵۰۰
فیرک (کاشمر)	۱۸۰۰	۶۲
شوکت آباد (بهرچند)	۱۲۰۰	۶۷

جدول فوق بخوبی نشان میدهد که تمین نرخ بهره مالکانه در نقاط مختلف کشور تنوع زیادی نشان داده، گاه با بارز زمین نسبت مستقیم، گاه معکوس و گاه تناسبی ندارند. این وضع حتی در مناطق مختلف یک استان و حتی یک ناحیه نیز میتواند یافت شود. تنوع مقدار بهره مالکانه در انواع مختلف اراضی نشان میدهد که عامل زیر و قلدوری فئودالی و سنت بر حاصل و رقابت سرمایه داری و بازار نفوذ دارد. به عبارت دیگر، بهره مالکانه در ایران اساسا فئودالی ونیمه فئودالی است و نه سرمایه داری.

سیستم تقسیم بندی ارضی دهات ایران بر اساس جفت گاو، میزان آب وغیره، نسق بندیها و بهره برداریهای متفاوت و شکلهای متنوع مالکیت مشاع و گاه مفروز دهقانی، املاک قطعه قطعه شده و قناتی خاص، دولتی، خصوصی و در قید روند - های بسیار متنوع مزارعه، استیجاری و مستقیم، دهقانان ایران را بنا بر سهم های متفاوت، مقدار بهره مالکانه و پرداختهای متفاوت، تعداد گاو وغیره وغیره به رده بندیها ورسته های متنوع بیکاری تقسیم کرده است. بررسی مناطق دهستانی در نقاط مختلف کشور نشان میدهد که ساکنین دهات بدینسان تقسیم بندی شده اند: دهقانان بهره بردار مالک زمین، دهقانان بهره بردار صاحب نسق، دهقانان بهره بردار بدون زمین، غیره بهره بردار، خوش نشینها، دهقانان املاک خالصه، موهو، عام و خاص، سلطنتی، خصوصی، مالکیت مشاع و مفروز، اجاره دار، قطعه کار، رعایا، بزرگان، دهقانانی که باین یا آن نوع بهره مالکانه میدهند، دهقانانی که این یا آن نوع از آب استفاده میکنند، دهقانانی که کت کارگر میگیرند، گاه با استفاده از یک یا دو میبایند، با دهقان مرفه، میانه حال یا فقیر شریک میشوند، دهقانانی که چند روز در سال بیکاری میکنند، به علاوه دهقانان، پبله و ران، گاو بندان، میرابان وغیره وغیره. هر یک از این تقسیم بندیها باز هم تقسیم میشوند. مناسبات ارضی هر یک از لحاظ سهم بندی های ده، مقدار و چونگی پرداختها از لحاظ تاریخ مربوطه آنها وغیره با همدیگر تفاوت داشته و تنوع و در هم بدرهی را نشان میدهد که بقول لنین "تمام این تنوع رنگارنگ در قرون وسطی هم طبیعی بود و هم لازم". (توسعه سرمایه داری در روسیه) و این خصوصیات اصلی روستای ایران است.

"اصلاحات ارضی" رژیم نیز که بر اساس چنین سیستمی پایه ریزی شده، بهیچ وجه قادر بدرهم شکستن مناسبات فئودالی ونیمه فئودالی نیست. چنانچه تقسیم جدید املاک مالکان طبیعی این سیستم فئودالی مالکیت ارضی - چه بیک نسبت هماهنگ، یعنی تقسیم متساوی، و چه با برقراری تناسبی بین نو و کهن، و چه بطریق دیگر - نه تنها تطابق قطعاً جدید را با احتیاجات کشاورزی سرمایه داری تضمین نخواهد کرد، بلکه، برعکس، این عدم تطابق واضح را تمام خواهد داد. این چنان تقسیم مانعی در برابر تکامل اجتماعی بوده، و بجا آزاد کردن نو از کهنه، کهنه را بنوعی چسبانده است. (لنین، "برنامه ارضی سوسیال دمکراسی") و باز لنین میگوید: "تقسیمی طبق معیارهای کهن، یعنی در مطابقت با شکلهای کهنه مالکیت ارضی مبتنی بر سهم بندیهای دهقانی، زدودن مالکیت ارضی کهن نبوده، بلکه تداوم آن خواهد بود، زدودن راه برای سرمایه داری نبوده، بلکه اسباب زحمت توده "گاهلین" نامتوافق و وفق ناپذیری خواهد بود که نمیتوانند به زارعین آزاد تبدیل شوند." ("همانجا") برای درگونی سیستم و تکامل اقتصادی و اجتماعی روستایی، تقسیم ارضی میباشد بر اساس پروسه نوینی صورت گیرد و این از عهد ارتجاع حاکم خارج است. "اصلاحات ارضی" شاه - امپریالیسم خصلت نیمه فئودالی جامعه ایران را نخواهد زد، بلکه آمپول بورژوا - ملاکی به فئودالیسم پیوسته ایران است و در نهایت فقط در تطابق در آوردن بیش از پیش انحصار کمرادوری و بوروکراتیک و استثمار امپریالیستی با مناسبات ارضی قرون وسطی در دهات

میباشند. پیوند سرمایه مالی امپریالیستی، کمرادوری و بوروکراتیک با استثمار نیمه فئودالی فقط باعث خانه خرابی بیش از پیش توده های دهقان و تشدید تضادهای درون روستا خواهد شد.

نویسندگان نشریه ضد مارکسیستی "کارگر" هر چه برای اثبات نظرات قالبی خود میخواهند، زیر بزنند، برای بکری نشانیدن تراوشات مغزی خود بهره که میخواهند ببرند. بیش از این نمیتوان از کسانی که هنوز پا بیدان نگذارند و الفاظ ب تشخیص نداده در برابر آموزگاران بزرگ پرولتاریا افتاده میفرسند، انتظاری داشت. احکام طس ماکوتسه دون و سایر بزرگان جنبش کمونیستی و کارگری تنها راهنا بسرای شناخت جامعه ایران و حل مضلات و مشکلات مقابل جنبشها است و ما هرگز اجازه نخواهیم داد که هر گونه مهمل نامه ای در پشت عباارات مارکسیستی به مارکسیسم - لنینیسم حمله و ر شده و بالودگی ایدئولوژیکی و کیچی تئوریک جنبشها دامن زند.

— دنباله دارد —

"چرا اظهار رادک مینی برای بیکه مبارزه دهقانان در روستای چین چندان علیه بقایای فئودالی نیست که علیه بورژوازی میباشد، نادرست است؟"

"آیا این را میتوان تأیید کرد که در چین سرمایه داری تجاری تسلط دارد، با بقایای فئودالی؟"

"چرا مبلتاریستهای چین، که صاحبان مؤسسات بزرگ صنعتی هستند، درصین حال نمایندگان فئودالیسم میباشد؟"

رادک، در حقیقت، چیزی شبیه آنچه در این سئوال بیان شد، اظهار میدارد. تا آنجا که بخاطر میآوریم، او در سخنرانی خطاب بقملا لنین تشکیلات سکو، با کاملاً وجود بقایای فئودالی را در روستای چین انکار کرد، با اهمیت کمی بآن گذارد.

البته، این اشتباه جدی ای از جانب رادک میباشد. چنانچه بقایای فئودالی در چین وجود نمیداشت با چنانچه برای روستای چین دارای اهمیت خیلی بزرگی نبود، دیگر زمینه ای برای انقلاب ارضی نمیمانند، و آنگاه هیچ جای صحبتی در مورد انقلاب ارضی بمتابه یکی از وظایف اصلی حزب کمونیست، در مرحله کمونی انقلاب چین نبود.

آیا در روستای چین سرمایه تجاری وجود دارد؟ آری وجود دارد. و آن تنها وجود دارد، بلکه در مکیدن خون دهقانان دست کمی از اشرف فئودالی ندارد. لیکن این سرمایه تجاری نوع انباشت اولیه بوجه خاصی باسلطه اشرف فئودال و مالکان ترکیب شده و شیوه های قرون وسطایی آنان را در استثمار و ستم بر دهقانان بسکار میگیرد. این است لپ مطلب، رفقا.

اشتباه رادک اینست که او این وجه خاص، این ترکیب سلطه بقایای فئودالی با موجودیت سرمایه تجاری در روستای چین، همراه با حفظ شیوه های فئودالی قرون وسطایی استثمار و ستم بر دهقانان را درک نکرده است.

— استالین (گفتگو با دانشجویان دانشگاه مونیخات - سن)

در راه حل . . .

یا ترکیب اولیه اشان نتوانست نسبتاً حفظ گردد، بر سرخی درام بیشتر یافتند و بخصوص در سالهای اخیر گروههای نوبنی پایه عرصه حیات گذارد ماند. جای خوشوقتی است که در زمینه تشدد - بد نوین تضاد های طبقاتی و ملی در سالهای اخیر روند مبارزات سیاسی، اقتصادی و صنفی دانشجویان، کارمندان، معلمان، روحانیون استقلال طلب و طبقه کارگر جنبه عملی فعالیت گروهها، جنبه اشاعه و همدگی عقاید سیاسی در میان توده های مردم فعالیتهای تبلیغاتی و تهیهی و شرکت و هدایت مبارزات سیاسی، اهمیت بیشتری یافته و راه یابی بتوده زحمتکش و فعالیت برای ترکیب جنبش سیاسی روشنگری با مبارزات عمومی خلق، علی- الخصوص ترکیب جنبش کمونیستی حاضر با جنبش طبقه کارگرتوده زحمتکش شهر و ده، توجه این گروهها را بخود معطوف داشته است. لیکن در زمین اظهار خوشوقتی، باید گفت، که مشکلات نوینی نیز ایجاد شده و میشود. تکان خوردن روشنفکران که بطور عمده از خوردن بورژوازی کشور ما منشاء میگيرند و زمینه های اولیه فکری آنها بطور طبیعی به جهان بینی این طبقه آلوده بود و طرز زندگی و موضع اجتماعی مشابهی با طبقه فوق الذکر دارند، خود سرنشاء راه های متعدد مبارزه انقلابی و تنوع عقاید و تفویضیست که، علی الخصوص در زمانیکه پراتیک پیوند با توده های رنجبر و ستمدیده جامعه ما در دستور کار قرار میگيرند، زمینه های اغتشاش تئوریک و عقیدتی نوینی را بوجود آورد. باز هم، به تئوری و مبارزه تئوریک جلوه خاص و مقام شامخی در جنبش انقلابی میبخشد. از اینرو، تنوع خطوط و اغتشاش تئوریک نوینی که در درون جنبش کمونیستی، خاصه در همین سالهای اخیر، روبه توسعه گذارده باعث تعجب مانوبه و فقط فراصت و آمادگی نوین مارکسیست - لنینیستهارا برای مبارزه جدی بر سر مسائل اساسی و حتی سایه روشنیهای بظاهر قابل صرف نظر که جوانه های اختلافات کاملاً روشن بعدی است، فرامیخواند. این زمینسازی اولیه برای وحدت نیروهای کمونیستی موجود در راه ایجاد حزب طبقه کارگر ایران است.

ما در اینجا فقط این آموزش لنین کبیر را میخواهیم تکرار کنیم که "بدون تئوری انقلابی جنبش انقلابی نمیتواند وجود داشته باشد" و میخواهیم اضافه کنیم که جنبش سیاسی، بدون آنکه بر اساس یک تئوری انقلابی وحدت یافته و توسط آن هدایت شود، هرگز دوام نیافته، ادامه کاری آن حفظ نشده و در سمت پیروزی حرکت نخواهد کرد. این تئوری انقلابی، مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون است و در تضاد با تمام تئوریهها و شیوه های فکری و عقلی منتسبه از جامعه طبقاتی کونی میباشد.

مختصات جنبش کمونیستی حاضر

باید دید که جنبش کمونیستی کونی کشور ما از لحاظ تاریخی و اوضاع و احوال بین المللی و داخلی در چه حال و موقعیتی است. بر اساس آن میتوان اهمیت بحث و حل مسائل و مشکلات تئوریک و مابقی جنبش را یاد آور شده، خطوط اصلی فعالیت انقلابی کونی را ترسیم نمود و بر وظایف پراتیک مقابل خود، یعنی وظایفی که تعهد آن یاسخگر و یاد ستاکم روشن کننده مسئله مرحله فعلی، مسئله تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر ایران است، پرتو افکند.

پراکندگی چندین ساله جنبش کمونیستی که از یک سو، ناشی از اختلافات و موانع تئوریک بوده و از سوی دیگر، تسلط صرفاً اختناق چندین ساله ارتجاع حاکم که تداوم آنرا تشدید نموده، مشکلات متعددی در مقابل کمونیستهای ایرانی بوجود آورده است. کشف و نابودی برخی گروهها و حبس و قتل در بی مبارزین در ده ساله اخیر، با توجه بدوره نسبتاً مدید تسلط حکومت محمد رضاشاه و رکود طولانی جنبش (بخیر از اوج کوتاه و موقت آن در سالهای ۴۲-۱۳۳۹)، خود مزید بر مشکلات فعلی

شده است. این وضع از یک سو، بار دشواریها را بر دوش برخی ضعیفان غیر قابل تحمل کرده و آنان را بسمت برخی موقعیتهای غیر فعال و حتی نومیدانه کشانده و از سوی دیگر، تعداد بسیاری از مبارزین انقلابی را بیحوصله ساخته، تاب و توان آنانرا برای یک دوره طولانی کار منظم، علمی و ریشه ای بسر رساند و بوجوس و غلیان منفردانه سوق داده است.

رویزونیستهای حزب توده زبانهای نابخوردنی بزرگی به جنبش کارگری و کمونیستی و جنبش د مکراتیک و استقلال طلبانه مردم ما زده اند. یک دوران نسبتاً طولانی تسلط اپورتونیسم و رفرمیسم در جنبش کارگری و کمونیستی، از دست دادن موقعیت های مناسبی که میتوانست جنبشهای سالهای ۲۵-۱۳۲۰ و ۳۲-۱۳۲۹ را بیک مسیر کاملاً انقلابی انداخته و قدمهای بزرگی بسوی پیروزی و استحکام مواضع بدست آمده بردارد، و بویژه عدم مقاومت نیروهای اپورتونیسم در کودتای ۲۸ مرداد بسبب ضعف رهبرهای بورژوازی و خوردن بورژوازی، علی الخصوص رهبری جبون و فرصت طلب حزب توده، اثرات شدیدی منفی در مبارزات انقلابی گذارده و بدرجه اعتماد بیشانیه مردم مانست به پیشاهنگان واقعی خود لطمه وارد ساخته است.

هنوز، با آنکه در دوره نوینی از سیر تدارک و رشد مبارزه انقلابی عمل میکنیم، ارثیه منفی رهبری اپورتونیست و خائن حزب سوده بر دوش مبارزان و مارکسیست - لنینیستها سنگینی میکند. یکی از علل و اسباب مهم رشد برخی انحرافات درون جنبش کونی، و موقعیت طلایی عده ای از متفکرین بورژوا که زسان به نصیحت و عبرت دهی گشوده اند، سنگینی این چنین ارثیه ای در اعماق ذهن مبارزان و رهروان نهضت در دوره کونی است. گذشته از برخی اپورتونیستهای قدیمی که بخاطر حفظ موقعیت خود در برابر شلوات موجه همچنان به جنبه های منفی سخن گذشته چسبیده و حاضر به بریدن از آنها نیستند و سواسی شدن بیش از اندازه برخی از کسانی که میخواهند حزب را برهنای الگوهای ترو تمیز و "وقت" و "دلسوزی" خاصی تولد دهند و کسانی که عنان اختیار را از گف گشوده و بدین نوجه بچگونگی تکوین وضع موجود و اصول علمی مبارزه انقلابی واگش نشان میدهند، نا آگاهانه زبانهای دیگری برای جنبش کمونیستی حاضر و جنبش انقلابی مردم پیش خواهند آورد.

امروز، در داخل و خارج از کشور، گروه ها و تشکلهای متعدد و عناصر بسیاری هستند که بخاطر پیش گرفتن راه طبقه کارگر مجاهدت کرده و خواهان پویائی کمونیسم انقلابی می- باشند. لیکن، د انش انقلابی مارکسیسم - لنینیسم هنوز چندان جذاب نگردیده و تعابیر و درک های متعددی برای این ادامه دهندگان فعلی جنبش کارگری و کمونیستی ایران بدست داده است. شکی نیست، انطباق اصول عام مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون بر شرایط مشخص انقلاب ایران، یعنی ترکیب جنبش مارکسیستی - لنینیستی با جنبش کارگری و جنبش استقلال طلبانه و د مکراتیک خلق ما بتدریج صورت پذیرفته و مبنای تئوریک جذب آینه طبقه کارگر ایران بوجود خواهد آمد. عناصر و تشکلهای کمونیستی، بیشک، با الهام از سنن انقلابی کمونیسم در ایران همراه با طرد و بریدن کامل از میراثهای منفی اپورتونیسم و روئونیسم راه مارکسیسم - لنینیسم در ایران گشوده، با مجاهدات پیگیرانه جهت پیوند با زندگی و مبارزات توده رنجبر و خلق خود راههای مشخص مبارزه انقلابی را دریافته، پایه های تئوریک و سیاسی حزب آینه طبقه کارگر ایران را ریخته و با انتشار و تبادل و مبارزه بر سر آنها درجهت وحدت مجموعه کمونیستها و تشکلهای کمونیستی در یک سازمان واحد سیاسی پرولتری حرکت خواهند کرد. جنبش کمونیستی ایران که حتی تا آسوی مرزهای میهن دامن گسترده، بیشک، دارای قدرت بالقوه عظیمی است، کمونیستهای مقیم خارجه، با آنکه در قیاس با جنبش کمونیستی داخل کشور و رهروان و مبارز راه طبقه کارگر در ایران بسیار کم تجربه بوده و در میدان اصلی

بازره نیستند، لیکن میتوانند دست کم با انتقال آخرین دستاورد های کمونیسم انقلابی که از لحاظ اخذ اصول عام تئوریک آن در شرایط نسبتاً مساعد تری میزیند، کمک موثری به جنبش کمونیستی ایران بنمایند.

برای اینکه، بهینیم چگونه میتوان با گامهای استوار در جهت ایجاد حزب کمونیست آینه طبقه کارگر حرکت کرد و اینکه، نقطه شروع فعالیتها چه بوده و بچه نحو میتوان این مجموعه پراکنده و جنبش حاضر را بیک سازمان واحد بدل ساخت و نقش رهبری پرولتاریا را در جنبش انقلابی خلقهای ایران تأمین نمود، بررسی مختصات زمانی - مکانی و اوضاع و احوال مشخص حاضر ضرورت میابد. بدون چنین بررسی، هر چه ما در باره راه و مفاهیم کلی مربوط به ایجاد حزب در انقلاب د مکراتیک نوین ایران صحبت کنیم بیبهره خواهد شد و شره ای نخواهد داد. باید دید کجا هستیم و کجا باید رفت، و چگونه باید این راه را طی نمود و ابزار کار چیست، این ابزار نه از قالبهای کلی و فرمولهای مجرد شده و یا حتی تحلیل شرایط عام جامعه، بلکه از بررسی و تحلیل مشخص شرایط موجود میتواند بدست آید و بتدریج شکل گیرد. این ابزار را باید در همین شرایط واقعی موجود جستجو نمود.

اول اینکه، جنبش کمونیستی میهن ما دارای بیش از ۶۰ سال سابقه است. جریانات سیاسی و سازمانی کمونیستی ایران در زمان حاضر، بهیقین، با جریانات مشابهی که در یک کشور جوان بتازگی بوجود آمده و سوابق قبلی نداشته، تفاوت دارد. احتیاجات و امکانات رشد و توسعه این دو یکی نیست و در یک درجه و سطح قرار نگرفته اند. جنبش کمونیستی ایران تاکنه از دو مرحله بزرگ تاریخی عبور کرده و اکنون وارد سومین مرحله نضج و رشد خود میگردد. مرحله اول جنبش کمونیستی ایران در ارتباط با محافل سوسیال - د مکرات و بالاخره حزب کوم - نیست ایران بوده و از سالهای ۹-۱۳۲۵ تا سالهای افول جنبش در زمان رضاشاه دیکتاتور بطول انجامید. مرحله دوم، با فعالیت ارانی و پارانش سر باز نموده و بالاخره در ارتباط با حزب توده ایران بوده و از سالهای جنگ دوم تا سالهای افول جنبش در زمان رژیم کودتا بطول انجامیده است. مرحله سوم که چندین سال است آغاز گردیده، بیشک، به ساختمان حزب کمونیستی که فعلا در کار تشکیل آن هستیم خواهد انجامید. آموزش از تجربیات مثبت و منفی بدست آمده ۶۰ سال اخیر بهیقین تأثیر هنگفتی در فعالیت نوین کمونیستهای ایران خواهد داشت. این سابقه نسبتاً طولانی نشان میدهد که مارکسیسم - لنینیسم در ایران دارای رشد بسیار خوبی است و توده های مردم ما، بویژه کارگران و اقشار پایین خورد و بورژوازی شهری و روشنفکران، آمادگی بالقوه ای برای جذب آن دارند.

دوم آنکه، جنبش کمونیستی ایران برای یک مدت نسبتاً طولانی در چنگال اپورتونیسم و رفرمیسم بوده و از این لحاظ، شکست بزرگی بر بیکر خود حمل کرده است. این سابقه، که شره نصب رهبری جنبش توسط درود سته رهبری خورد و بورژوازی حزب توده بوده است، ضعف آید تئوریک، تئوریک و تشکیلاتی همی بجا گذارده است. این موضوع، در همین حال، برخورد برخی مبارزین انقلابی کونی را بعیرات گذشته بدبینانه کرده، بدست متفکرین بورژوا و خورد و بورژوا فرصت های نویسی برای جمله به مارکسیسم - لنینیسم و جنبش کمونیستی کشور ما داده و تا حدودی به پراکندگی نسبتاً طولانی مدت جنبش کسونسی و اختلافات تئوریک حاضر کمک کرده است. لیکن، نباید فراموش کرد شکست ما در پیروزی است. تجربیات منفی گذشته و آزمایش یک دوران اپورتونیسم و رفرمیسم خود آبدیدگی و یختگی نوینی بوجود آورده، توجه و دید کمونیستهارا وسعت بخشیده و ایستا - دگی آنانرا بر اصول مارکسیسم - لنینیسم در مقابل انحرافات روئونیستی و اپورتونیستی قاطعتر کرده و میکند. در همین حال، بقیه در صفحه ۸

منده کمونیستهای ایران

در راه حل ...

باید توجه داشت که ارزیابی یکجانبه و نادرست از جنبش سابقه ای که مشخصه اصلی آن اپورتونیزم راست و فرمیسم بود ناست، خیلی زود میتواند راه را برای انحرافات "چپ" از قبیل کاسترو، تیسم، نظرات ضد انقلابی تروتسکیستی و برخی اندیشه های شکاکانه و بدبینانه بازگرداند.

سوم آنکه، جنبش کمیونستی ایران در دوران کنونی، جزئی از جنبش نوین بین المللی کمیونستی بوده و در مرحله نوین تکامل مارکسیسم - لنینیسم، یعنی اندیشه مائوتسه دون، جریان میابد. اندیشه مائوتسه دون یک سلسله مسائل اساسی مقابل جنبش بین المللی کمیونستی را در عصر حاضر پاسخ داده و راه گشای کمیونستهای کشورهای جهان در حل مسائل مبین خویش است. جنبش بین المللی کمیونستی در مبارزه علیه روزیونیزم نوین بسر کردگی دارودسته رهبری حزب شوروی رشد و تکامل یافته و یک رشته تجربیات سیاسی مثبت و منفی ۵۰ سال گذشته را جمعینگ کرده است. حزب آینده طبقه کارگر ایران بیشک بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون تشکیل یافته و از لحاظ مضمون ایدئولوژیک و خصلت فعالیتهايش در مقابل و متضاد با احزاب روزیونیزستی معاصر خواهد بود. این خود اهمیت برخوردار است. جنبش ما را از تازه ترین تکامل تئوریک کمیونست علمی، یعنی اندیشه مائوتسه دون، بازگو مینماید.

چهارم آنکه، جنبش کمیونستی ایران در یک جامعه نیمه فئودالی - نیمه مستعمراتی است جریان میابد. از این لحاظ، دارای وجوه مشترکی با ممالک مشابه بوده و از تجربیات انقلابی این ممالک مانند تجربیات انقلابات دموکراتیک چین، آلبانی و ویتنام که راه به پیروزی گشوده اند، بسیار چیزها باید آموخت. تئوری انقلاب دموکراتیک نوین، بمثابة بخشی از آموزشهای اندیشه مائوتسه دون که جمعیندی غریب ۵۰ سال مبارزات رهائی بخش پرولتاریا و خلقهای کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره است، راه گشای اصلی در حل مسائل جنبش مردم ایران میباشد. ترکیب اصول عام این تئوری با جنبش کارگری و جنبش انقلابی مردم ایران نکته اساسی را در ترکیب مارکسیسم - لنینیسم با عمل انقلاب ایران تشکیل میدهد. جنبش مردم ما بمثابة جزئی از جنبش بین المللی کارگران و خلقهای جهان دارای ابعاد بین المللی است و از اینرو، تجربیات مشخص پرولتاریا و مردم هر کشوری، خاصه ممالک مشابه، کمک بزرگی به مبارزین انقلابی ایران خواهد بود. البته، استفاده از این تجربیات رونوشت برداری و تقلید کورکورانه نبوده، بلکه آزمون مستقلانه آنها را در عمل ایجاب میکند.

پنجم آنکه، جنبش کمیونستی ایران در حال حاضر در شرایط یک ترور و اختناق بیسابقه ای جریان میابد. حکومت ضد دموکراتیک و ضد ملی ایران با سلب هرگونه آزادیهای اجتماعی و سیاسی و اتخاذ شیوه های فاشیستی برای سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی جامعه، مشکلات قابل توجهی برای رشد و توسعه این نیروها بوجود آورده و فعالیت سیاسی و سازمانی آنها را در میان توده مردم بطور نسبی دشوار ساخته است. ولی این مشکلات چندانی نیست که بماند دیوار بلندی در برابر خود دیده و خود را در چهار دیواری اطلاقها به بهانه "شرایط نامساعد" محبوس کنیم و یا آنکه، حوصله و پشتکار خود را بناگهان از دست داده و خود را بی توجه از چاله به چاله اندازیم. کمیونستها و سایر نیروهای انقلابی میتوانند با توجه به قانونمندیهای فعالیتست مبارزه انقلابی در شرایط اختناق، با توده های مردم تماس حاصل کرده و در میان آنها بکار سیاسی و سازمانی پرداخته و جریان سیاسی عظیمی را بر علیه رژیم سفاک پهلوی در افکار و اندام عمومی بوجود آورند. همین اینکه، رژیم سیاستخدا را بکار میبرد مایه سوق دادن توده ها با استقبال قهر انقلابی است. "سیاست قتل عام ... جز دم دادن ماهیان با عمق دریا" نتیجه دیگری بهار نخواهد آورد و فرمیسم دیگر مسوره

مستقیلاً توده ها قرار نخواهد گرفت. "مائوتسه دون" از یک جرقه حریق بر میخیزد" شرایط اختناق و حکومت مطلقه، بدیهی است، با شرایط یک کشور دموکراتیک که در آن درجاتی از آزادیهای اجتماعی و سیاسی وجود دارد تفاوت داشته و از لحاظ اختیار ابزارهای لازم و تاکتیکهای معین مبارزاتی ابتکارات متفاوتی را طلب میکند. شرایط کنونی ایران همانند شرایط بعد از شهریور ۱۳۲۰ نبوده و نمیتوان بر مبنای آنکا - ناتیکه از لحاظ آزادیهای دموکراتیک، همانند سالهای ۴۲ - ۱۳۳۹، در اثر تعمیق بحران اقتصادی - سیاسی در وطن جا - معه و حکومت فعلی محتلا در آینده بوجود میآید، برنامه و طرح داد. از این رو، وضع کنونی نیازمند شیوه های معین برای گسترش مبارزه تئوریک، ایجاد جریان سیاسی سراسری در میان توده های کشور و سازمان متناسب با شرایط اختناق و درخت وظایف مرحله ما، میباشد.

ششم آنکه، تکرار میکنیم، جنبش کمیونستی ایران در وضع پراکنده تئوریک، سیاسی و تشکیلاتی است و فعالیتهای علمی کمیونستها در هماهنگی با هم نبوده و بطور کلی در محدودهای که در آن بسر میبرند خلاصه میشود. ارتباطاتی که میان گروهها وجود دارد در سطح دو و یا چند گروه است و تمام جنبش گسترش نیافته و بصورت خود بخودی نیز نمیتواند بیاید. ارتباطات نامرعی از طریق روزنامه و نشریات مختلفه نیز که میتوانند بمثابة یک نوع وسیله انتقال تجربه ورد و بدل عقاید و غیره مورد استفاده قرار گیرند، هنوز در سطح سراسر جنبش نیست. و بعلمت تشکلهای نامتناسب و محدود سازمانی و کمبود تجربیات و دامنه محدود امکانات فعالیت انقلابیشان، نشریات موجود نتوانسته اند نقش یک مروج، مبلغ و سازماندهنده مستترک و همگانی را ایفاء کنند. واضح است کار برای وحدت مبارزین و رهبران طبقه کارگر، یعنی کمیونستهای ایران، با بی رمیزی یک وحدت تئوریک همه جانبه که بر مبنای رشد و شکل گیری یک خط سیاسی معین که در ارتباط با مبارزه توده مردم بوجود میآید، میتواند شروع شده، آنگاه بسوی وحدت بر اساس یک ردیف اصول تاکتیکی و برنامه های فعالیت انقلابی و سرانجام وحدت تشکیلاتی حزبی سوق داده شود.

هفتم آنکه، در سالهای اخیر مبارزات توده ای دانشجو - یان و برخی اقشار خورده بورژوازی کشور ما تحت شعارهای سیاسی ضد رژیم و ضد امپریالیستی آغاز گردیده و موج ناراضگی های عمومی در میان مردم، دست کم در شهرها، بالا گرفته است. در این میان، پیدایش دوره نوینی از فعالیت کارگری قابل توجه است. تعداد این اعتصابات در دو سال اخیر نه تنها زیادتر شده، بلکه در اثر سیاستخدا و خشونت پاروزیم سفاک پهلوی، کارگران را به عصیانیت عمومی و نفرت و انزجار قهری نسبت بدولت بر میانگیزد. در برخی از شهرها که سنت و سوابق آگاهی سیاسی و تجربه انقلابی بیشتر بوده دامنه این نارضایتی و عصیانیت در میان کارگران زیادتر بوده و بطوریکه، رژیم را به اتخاذ برخی تصمیمات خاص قهری همراه با تطمیع و شیوه های کنترل کننده ویژه این مناطق مجبور ساخته است. البته، جنبش کارگری در مرحله کنونی تحت شعارهای اقتصادی و صنفی حرکت میکند، لیکن برخورد هواخواهان کارگران را به جنبش سیاسی نباید فراموش کرد. همچنین، ویژگی جنبش کارگری ایران را، که در طرح خواستهای مطالباتی و صنفی خود با ارتض، دسته گماند و مامورین ساواک دولت روبرو میشوند (و ما تجربه این موضوع را هم در دوره کنونی و هم در سالهای ۴۲ - ۱۳۳۹ بخاطر داریم)، میباشد در مد نظر قرار دهیم. در مورد دهقانان، باید گفت که هنوز جنبشهای دهقانی در سطح بسیار پراکنده و منقطع بصورت تکانهایی بسرور میکند؛ لیکن، حرکت تضاد های درون روستای ایران بطور ثابت در جهت شدت یابی است. بویژه، در مناطق طبقاتی و اقلیت نشین که ظلم و جور مالکین همراه با ستم ملی بیدار میکند، و

نیز در مناطقی که سنن مبارزه سیاسی سابقه نسبتاً طولانی داشته این تضاد شدت بیشتری یافته و میباید. اوضاع و احوال کنونی که سیر رشد تضاد های طبقاتی و تعمیق بحران اقتصادی - سیاسی نوینی را نوید داده و مبارزات خود بخودی کارگری در شهرها و جنبش توده ای دانشجو یان، آموزگاران، کارمندان و برخی اقشار خورده بورژوازی پایه میگردد، گذشته از برخی وقفه های ظاهری، لزوم تشدید فعالیت گروه ها و تشکلهای انقلابی را جهت پیوند با این مبارزات و گسترش دامنه کارسی و فعالیت ترویجی، تبلیغی، تهییجی و سازمانی بیان میکند.

در بررسی شرایط کنونی، جهت تعیین شیوه های کار سیاسی و سازمانی و تعیین مسائل مطروحه برای افشاکاری رژیم و تبلیغ و تهییج در میان توده و همچنین اتخاذ تاکتیکهای ضروری در فعالیت انقلابی، میباشد به سیاستهای نوین اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و پلیسی رژیم حاضر که در عرض ده سال اخیر تغییرات چندنی نموده (لیکن، تأثیری در استراتژی ماند آورد) توجه نمود. سیاست "انقلاب سفید" شاه - امپریالیسم که یکی از مضامین سیاسی آن دست و پا کردن پایگاههایی برای هیئت حاکمه، بویژه در اقشار خورده بورژوازی شهر و ده، و نیز تفرقه افکنی در میان کارگران را در مد نظر داشته میباشد مورد بررسی قرار گیرد. این سیاستهای نوین رژیم، در عین حال، یکی از پایه های رشد برخی از انحرافات تئوریک درون جنبش کنونی است که بسهم خود، اهمیت توجه بشعوری و یافتاری بر اصول را در چندان کرده است.

روشنفکران خود فروخته و خائنی که اکنون بداحی رژیم شاه پرداخته و زرادخانه ایدئولوژیک رژیم را غنی ساختنند؛ بیشک، پاسخ افشاکرانه و حتی عملی مبارزین انقلابی را بسر میانگیزند. و بعلاوه، فعالیت تبلیغاتی دارودسته کمیونست مرکزی حزب توده که با سود جوئی از برخی خاطرات گذشته حزب در میان مردم، بمثابة ذخیره ایدئولوژیک و سیاسی رژیم کنونی عمل میکنند و احتضالا قانونی شدن آنان نتایج سیاسی قابل بیسیس یعنی ای برای تقویت دولت، بویژه جناح بورژوازی بوروکرات آن، داشته و خطراتی برای جنبش کارگری بهار میآورد، در کار حال آینده ما بلا تأثیر نخواهد ماند.

شرایط رشد جنبش کمیونستی ایران چنانکه در فوق مختصراً ذکر شد بفرنج است. نیازهای تئوریک باندازه ملکی از گذشته بارت گذارده شده و پایه های رشد انحرافات مختلف تئوریک و سیاسی هم در سوابق جنبش و هم در شرایط فعلی موجود است. آموزش از تازه ترین دستاوردها و تکامل مارکسیسم - لنینیسم در ایران مراحل اولیه خود را طی میکند. تشکیل حزب نوین کارگری در ایران نیازمند مقدمات تئوریک، سیاسی و تشکیلاتی نوینی است. برای تلفیق اصول عام مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون (و حتی ترویج آن) با جنبش کارگری و جنبش دموکراتیک و ملی مردم ایران کار بسیار در پیش است.

پس، ما پیش از آنکه برای نتیجه گیریهای علمی از تشریح مختصر شرایط کنونی ایران بحثی را شروع کنیم، لازمست بنقطه نظرهای تئوریک موجود در جنبش، تا آنجا که از رواج آنها در میان برخی عناصر و گروههای داخل و خارج کشور اطلاع داریم، اشاره کرده و بدینسان، زمینه تئوریک بحث خود را غنی سازیم. - دنباله دارد -

حقیقت جهانشمول مارکسیسم - لنینیسم، که بازتاب پراتیک مبارزه پرولتاریائی در سراسر جهان است، سلاح غلبه ناپذیری برای خلق چین تبدیل میگردد، هنگامیکه با پراتیک مشخص مبارزه انقلابی پرولتاریساو خلق چین تلفیق یابد. - مائوتسه دون

پرده دوم...

صداهای اعتراضی را بخوابانند . ولی ، کار اختلافات میان برخی کشورهای عضو اوپک نظیر لیبی و شرکتهای نفتی بالا گرفت . راد یولندن اعلام کرده بود که لیبی درخواست افزایش تا ۱۰ درصد را نموده و مسئله سهیم شدن اعضا اوپک در تولید و فروش نفت مطرح است . شرکتهای نفتی از اینکه اینگونه در خواستها بصورت خواست مشترک تمام کشورهای عضو اوپک در آید شدیداً نگران اند و بدین علت حاضر شده اند که زیان حاصله از بحران پولی جهان را که باین کشور ها وارد آمده تا حدودی جبران کنند . عقب نشینی شرکتهای نفتی را راد یولندن چنین گزارش داده است : " از طرف دیگر شرکتهای نفتی میگویند البته بحالت بحران پولی جهانی باید به کشورهای تولید کننده نفت پول بیشتری داد و خسارت از ناحیه کاهش دلار را جبران کرد ، ولی ضمناً مایل نیستند که این درخواستها بار دیگر به سلسله مذاکرات تازه ای در زمینه افزایش قیمتها منجر شود . " بدینسان ، خود شرکتهای نفتی از ترس اینکه مبادا دامنه بخشهای میان آنها و اوپک بیخ پیدا کرده و کار بجاهای باریکتر ، منجمده در خواستهای تازه فوق الذکر ، برسد ، زیان حاصله از کاهش ارزش دلار را بدر آمد های نفتی اعضا اوپک میبند بزنند . بدینحال این موضعگیری شرکتهای نفتی ، چندی بعد ، آموزگار ، وزیر دارائی رژیم ، ب خبرنگاران میگوید : " ما الان واقعا در این دو روزه و همچنین هفته پیش با دلائل و اظهارات رات بسیار مستدل باینها (یعنی ، شرکتهای نفتی) ثابت کردیم که ارزش دلار یائین آمده و کاهش پیدا کرده " !! (کیهان هوائی - ۲۲ آبان ۱۳۵۰)

بالمعجب ، وزیر دارائی رژیم ، بعد از اینکه خود شرکتهای نفتی بکاهش ارزش دلار و ضررهای حاصله اذعان کرده اند ، مدت مدیدی با نمایندگان این شرکتها وارد بحث شده که بآنان ثابت کند که " ارزش دلار کاهش پیدا کرده است " !! آقایان حتی از شرکتهای نفتی هم عقب افتاده اند ، چون حتی آنان حاضر بپرداخت خسارت هم شده اند . حمایت ازمنافع اربابان نفتی خود تا بجای !!

سیاست شرکتهای امپریالیستی نفت کاملاً معلوم است : آنان میخواهند که بحثهای درون اوپک بروی مسئله کاهش ارزش دلار و خسارتهای حاصله از آن متمرکز شده و در خواستهای کشورهای مانند لیبی مبنی بر اضافه در آمد و سهیم شدن به بونه فراموشی سپرده شود . دولت ایران هم به پیروی از این سیاست نفتخواران بین المللی دوباره خود را جلوانداخته ، با اصطلاح " ابتکار عملیات را بدست گرفته " و میخواهد مذاکرات جاری نفت را در همین چهارچوب مقرر شده از جانب شرکتهای نفتی فوق محدود نماید . پرده دوم خیانت و اعتصاب شکستی مزدوران امپریالیسم آمریکا دوباره بالا میروند .

دولت ایران اینبار آنقدر در راه خیانت و مانورهای مزورانه جهت تأمین منافع امپریالیستها پیش رفته که رادیو لندن گفته است : " در خواستهای دولت ایران محافظکارانه است " (کیهان - ۱۵ آبان) ، یعنی دولت ایران حتی کاسه داغ تر از آش شده و بیش از شرکتهای انحصاری نفتی درصد حفظ منافع آنها است . رژیم سر سبز شاه ، نه تنها تلاش دارد که از مطرح شدن در خواستهای جدید برخی اعضا اوپک مبنی بر اشتراك و افزایش بهای نفت و سهم بیشتر مخالفت بعمل آورد ، بلکه با کشاندن مذاکرات روی یک ردیف بحثهای انحرافی که خود شرکتهای نفتی مقرر داشته و انتظار دارند (و " اکنونیست لندن " گویای این واقعیت است) میخواهد حتی المقدور از کاهش عایدی این شرکتها جلوگیری بعمل آورد . جالب اینجاست که " آموزگار " کاروا در مذاکرات نفتی اخیر به جایی رسانده که در یک مصاحبه مطبوعاتی بطور ضمنی ، با سرهم کردن یک ردیف فرمولهای من در آوردی راجع به ترقی ارزش لیره

یک پیروزی...

نکاتیک میکوشید که این دو محکم انقلاب را بانفراوان کامل کشانید ، به سیاست ضد چینی و ضد انقلابی خود جنبه قانونی داده و تمام دول دنیا را بتبعیت از آن وادارد .

اما همانطور که منطبق تمام امپریالیستها و ارتجاعیون است ، فتنه های آنها چیزی جز شکست برای خود آنها بهار نخواهد آورد . تمام فتنهگرهایی که امپریالیستها برای انهدام چین تاکنون بکار برد مانند هر بار با شکست روبرو گردیده و نتوانستند ستانده ضربه ای به چین وارد سازند ، بلکه هر سنگی برداشته اند با قوت تمام روی پای خود شان افتاده و خواهد افتاد . تمام دسائس و توطئه هائی که امپریالیستها بر علیه چین بکار میبرد مانند امروز کاملاً با شکست روبرو شده ، بطوریکه ، امروز حتی امپریالیستهای آمریکائی مجبور شد مانند که بشناسائی جمهوری تود های چین تن در دهند . و سازمان ملل که برای مدت ۲۲ سال در او در سته چپانگائیک را نمایندند و خلق چین معرفی میکرد ، امروز مجبور گشته که جمهوری تود های چین - این پایگاه بین المللی کمونیسم و انقلاب جهانی - را بعنوان یگانه نماینده خلق چین بر رسمیت شناخته و وارد سته چپانگائیک را اخراج نماید .

خلق چین برهبری حزب کمونیست چین و در رترو مارکسیسم لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون ، با وجود محاصره اقتصادی و سیاسی که از طرف امپریالیسم آمریکا شده بود ، در مدت کوتاهی توانست آنچنان عظمت خیر مکننده ای در زمینه اقتصادی و سایر زمینه هایدست آورد که حتی دشمنان را به حیرت واداشت . پیشتر شکر چین در توسعه نیروهای مولده اقتصادی و اجتماعی و اعتبار سیاسی عظیمی کدر جهان کسب کرد ، آنچنان بود که امروز حتی امپریالیستهای آمریکائی نیز مجبور با اعتراف شد مانند که بدون شرکت چین هیچیک از مسائل بین المللی قابل حل نخواهد بود .

پشتیبانی بیدریخ که چین در عرض ۲۲ سال موجود است خود از مبارزات خلقهای جهان نموده و استحکام اقتصادی و سیاسی آن ، باعث شد ماست که مردم جهان و نیروهای انقلابی و مترقی کلیه ملل ، جمهوری تود های چین را بمثابة پشتگاه محکمی برای پیشبرد امر استقلال و آزادی خود تلقی کنند . این امر به

شکست سیاست توطئه گرانه منفرد کردن چین از جانب امپریالیسم و در رأس آن آمریکا کمک بزرگی کرد ماست . اکنون امپریالیستها و سگان زنجیریشان مجبور بقبول شکست شده اند و متوجه شده اند که با سیاست محاصره اقتصادی و سیاسی و منفرد کردن چین نمی توان کاری از پیش برد . آنان مجبور شده اند که جمهوری تود های چین را بر رسمیت شناسند .

سیاست خارجی جمهوری تود های چین مبتنی بر انترناسیونالیسم پیرولتزی و تحکیم صلح جهانی است . جمهوری تود های چین با تکیه بر اصول این سیاست توانست ماست که اولاً خطر روشنی بین سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی و کشورهای رویزیو - نیستی کشیده و وثانیا ، صحت این سیاست لنینی را در عمل با ثبات رساند . جمهوری تود های چین که همیشه پشتیبان مبارزات خلقهای جهان برای رهایی و آزادی ملی بود ماست ، اکنون با ورود بسا - زمان ملل خواهد توانست که همچنین ، با استفاده از شیوه های " قانونی " و مسالمت آمیز مبارزه ، دامنه مبارزه و پشتیبانی خود را از مبارزات خلقهای جهان وسعت بخشیده و از آن بمثابة وسیله ای جهت افشای توطئه های امپریالیستها استفاده کند .

سیاست خارجی چین در خدمت بوجود آوردن یک جبهه واحد وسیعی علیه امپریالیسم آمریکا و جلوگیری از وحدت عمل

و غیره ، اربابان نفتی خود را طلبکار هم جا میزند . ریاکاری و خیانت پیشگی تا بجای ! تنگ و رسوائی بر این رژیم که نه تنها منافع ملی وطن ما را بحراج گذارده و تسلیم امپریالیستها کرده ست ، بلکه در وطن فروشی کشورهای ارتجاعی دیگر نیسز و ساطت میکند .

میان امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی جهان علیه خلقها است . هسته مرکزی این جبهه جهانی ، وحدت فتنه و کشورهای سوسیالیستی و جنبش بین المللی کمونیستی است که مجموعه جنبشهای رها نشیخ خلقها و ملل دنیا را بملامه دول ملی و مترقی بدور خود متحد ساخته است . با بسط دامنه چنین جبهه واحدی به نا پیگیرترین و متزلزل ترین نیروهای سیاسی و دول مختلفه علیه دشمنان عدده ، یعنی امپریالیسم آمریکا و با استفاده از تضاد های درون امپریالیستها و بدینسان تنگ تر کردن حلقه محاصره بدور آمریکا در عرصه جهانی ، بیشک وحدت عمل جبهه دشمن مختل شده و مشکلات آمریکا در بکار برد سیاست تجاوز و جنگ بیشتر و بیشتر خواهد شد . با ورود چین بسازمان ملل که خود یکی از نتایج پیروزمندان این سیاست بوده مطمئناً ، دامنه جبهه واحد بین - المللی وسعت و قوام بیشتری یافته و بویژه ، بعرصه دیپلماتیک نهارزه نیز بسط وتوسعه خواهد یافت .

ورود چین بسازمان ملل خواهد توانست به تحکیم صلح جهانی که در اثر رشد تضاد ها درون امپریالیستها و سیاستهای جنگ افروزانه امپریالیسم و سوسیالیسم - امپریالیسم بمخاطره افتاده ، کمک مؤثری باشد . امپریالیسم آمریکا که مدت ها توانسته بود از سازمان ملل بمثابة روپوشی برای سیاستهای تجاوزکارانه خود استفاده کند ، اکنون با ورود چین و عضویت آن در شورای امنیت ، دیگر قادر نخواهد بود که از این سازمان همانند گذشته سوء استفاده کند .

خلق ما نیز به همراه خلقهای سایر کشورها ، این پیروزی نوین سیاست خارجی چین را ، بمثابة پیروزی خود تلقی کرده و آتراه جمهوری تود های چین و در رأس آن رفیق مائوتسه دون خوشامد میگویند .

- زنده باد سیاست انترناسیونالیستی و صلحجویانه جمهوری تود های چین ،
- موفق باد مبارزه جمهوری تود های چین در عرصه کشمکشهای بین المللی

بیاد ۳۰ امین...

جنگ توده ای در شرایط مشخص آلبانی ، بر اساس اتحاد طبقه کارگر و دهقانان و وحدت کلیه طبقات و نیروهای ضد فاشیست جنبش را هدایت کرده و جبهه رها نشیخ ملی را تحت رهبری حزب بوجود آوردند . جبهه رها نشیخ ملی برهبری حزب کمونیست آلبانی ، با ادامه و گسترش شیوه جنگ پارتیزانی بمثابة شکل عده مبارزه مسلحانه و تشکیل و گسترش نیروهای مسلح ، فاشیستهای ایتالیائی و سپس آلمانی را از خاک کشور بیرون ریخته ، و با ایجاد و گسترش شوراهای توده ای بمثابة ارگاس - نهی قدرت سیاسی خلق در حین جنگ ضد فاشیستی ، پایه های حکومت دموکراتیک توده ای خلق آلبانی را بی ریزی نمودند .

این چنین بود که حزب طبقه کارگر آلبانی ، حزب کار آلبانی ایجاد گردید ، و با پیش گرفتن راه نبرد مسلحانه تودگان و بسیج کارگران ، دهقانان ، و تمام خلق علیه نیروی متجاوز خارجی و طبقات ضد ملی و تسلیم طلب داخلی ، انقلاب ملی - دموکراتیک آلبانی را با پیروزی مزین ساخت . حزب کار آلبانی بعد از سی سال گذشت زمان از تشکیل خود ، همچنان از پرچم اران استوار مارکسیسم - لنینیسم بر جنبش جهانی کارگری و کمونیستی است .

- زنده باد حزب کار آلبانی برهبری رفیسی انور خوجه
- مستحکم باد جمهوری تود های آلبانیسی برهبری حزب کار آلبانی

سرنگون باد رژیم پهلوی ، رژیم ملاکان و دلان امپریالیسم

بیاد ۳۰ امین سالگرد حزب کار آلبانی و ۲۷ امین سال جمهوری توده‌ای آلبانی

اکنون، ۳۰ سال از تاسیس حزب کار آلبانی و ۲۷ سال از پیروزی انقلاب دیمکراتیک و ملی خلق آلبانی و تشکیل جمهوری توده‌ای آلبانی میگذرد. زندگی پر افتخار حزب کار آلبانی در عرض ۳۰ سال نبرد مدام و سر سختانه علیه فاشیسم و ارتجاع فئودال - بورژوا، زندگی پر افتخار آن در عرض ۳۰ سال نبرد مدام و سر سختانه علیه تروتسکیسم، تیتویسم، رومینویسم نوین و انحرافات اپورتونیستی، نمونه راهنمای مطمئن برای کمونیستهای کشورهای مختلف، برای کمونیستهای ایران میباشد. خلق آلبانی برهبری حزب طبقه کارگر آلبانی، حزب کار آلبانی و در رأس آن رفیق انور خوجه با در هم کوبیدن پیروزمندانه نیروهای فاشیسم، امپریالیسم، ملاکان و بورژوازی، با استقرار گسترش شوراها و قدرت توده‌ای در سراسر کشور، در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۴ به تشکیل جمهوری توده‌ای آلبانی نائل آمد. جمهوری توده‌ای آلبانی بمثابه مظهر اتحاد سیاسی زحمتکشان آلبانی تحت هدایت طبقه کارگر رسالت تاریخی دیکتاتوری پرولتاریا را در شرایط مشخص جامعه آلبانی ایفاء کرده و انقلاب سوسیالیستی را در کلیه زمینه‌های زیربنایی و روبنایی کشور برپا داشت. در عرض ۲۷ سال حیات پر افتخار جمهوری توده‌ای آلبانی، اکنون جامعه آلبانی به یک جامعه مبتنی بر صنایع پیشرفته و کشاورزی کلکتیویزه شده سوسیالیستی تبدیل شده، برای همیشه از روابط قرون وسطایی نیمه فئودالی، پدربسالاری و قبیله‌ای گذشته و از استعمار و وابستگی اقتصادی - سیاسی بجهان امپریالیستی رها گردیده است.

رومینویستهای یوگوسلاوی بسرمداری تیتوی مرتد و رومینویستهای شوروی از خروش تا کاسین - برونوفسارها کوشیدند که خلق آلبانی و حزب کار آلبانی را از پیروی موفققانه بسوی سوسیالیسم و کمونیسم باز داشته و سنن پر افتخار مارکسیسم - لنینیسم را در کشور آلبانی خدوش و نابود سازند، لیکن، خلق آلبانی و حزب کار آلبانی برهبری رفیق انورخوجه تمام دشمن رومینویستهای یوگوسلاو و شوروی و دنباله روانشان را سوارگردانیده و با یافتاری بسر سیاست مارکسیستی - لنینیستی اتکاء بخود در ساختمان کشور، با پافشاری و دفاع از اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم، با پافشاری و دفاع از انترناسیونالیسم پرولتری و انقلاب جهانی، کشور آلبانی را بیکی از سنگرهای محکم سوسیالیسم، بیگانه دژ سرخ پرولتاریا در اروپا مبدل ساختند.

یادآوری و توجه بدرسهای انقلاب پیروزمندانه خلق آلبانی، بویژه تجربیات و راه‌های پر پیچ و خمی که جنبش کمونیستی آن برای تشکیل حزب کار آلبانی در ۳۰ سال پیش پیموده، برای کلیه مارکسیست - لنینیستهای عصر ما، برای مارکسیست - لنینیستهای ایرانی، که در جریان کار ایجاد حزب طبقه کارگر ایرانند، بسیار مفید و حائز اهمیت است.

حزب کار (کمونیست) آلبانی طی یک دوران مبارزه کمونیستها و گروههای کمونیستی آلبانی برای پخش عقاید مارکسیسم - لنینیسم در میان طبقه کارگر و زحمتکشان آلبانی، طی یک دوران مبارزه ایدئولوژیک و تئوریک علیه انحرافات تروتسکیستی اپورتونیستی و بورژوائی درون نهضت کارگری و کمونیستی آلبانی، طی یک دوران مبارزه برای درآمیختن جنبش کمونیستی بسا جنبش کارگری و جنبش میهن پرستانه و دیمکراتیک خلق آلبانی و براساس وحدت ایدئولوژیک، تئوریک، سیاسی، عطفی و سرانجام

به "حزب" قلابی خود فرا میخواندند. کمونیستهای آلبانی تنها با مبارزه علیه این اخلالگران "حزب ساز"، علیه کسانیکه خود را جدا از توده‌های مردم و در خارج از کشور "صدر" و "رهبر" سازمان سیاسی طبقه کارگر سینده داشتند، بود که راه بسوی ایجاد یک حزب واقعی مارکسیستی - لنینیستی، حزب کمونیست آلبانی گشودند.

کمونیستهای آلبانی در راه ایجاد حزب طبقه کارگر آلبانی با مشکلات زیادی روبرو شدند. انحرافات درون گروه‌های مختلف و سکتاریسم و محدودیت دامنه فعالیت کمونیستها با وجود موفقیتهای چند در شرکت و هدایت جنبش‌های اعتصابی کارگران و جنبش دیمکراتیک خلق آلبانی، موانع مهمی در برابر پیوند همه جانبه با توده ایجاد کرده بود. ارتباط میان گروه‌های مختلف ضعیف و تفرقه افکنی عناصر اپورتونیست و تعصب گروهی برخی رهبران سدی در برابر وحدت کمونیستهای انقلابی آلبانی و تشکیل حزب شده بود.

در راه پیوند همه جانبه با توده‌های کارگری و مردم آلبانی، در راه خاتمه دادن به اختلافات درون جنبش کمونیستی و وحدت کمونیستهای آلبانی، در راه حل مسئله ایجاد حزب طبقه کارگر آلبانی، کمونیستهای آلبانی در پرتو تعالیم هفتمین کنگره بین الملل سوم راه تجدید سازمان جنبش کمونیستی را بر مبنای حزبی و هماهنگی گروه‌های کمونیستی رادر جهت ایجاد حزب واحد در پیش گرفتند. بدین منظور به ابتکار و هدایت کمونیستها، سازمان زیرزمینی و متمرکزی که با خصلت دیمکراتیک و ضد فاشیستی برای هماهنگی مبارزه مجموعه نیرو - های دیمکراتیک علیه رژیم موناکو - فاشیست و دست نشانده آلبانی ایجاد گردید. هسته‌های کمونیستی درون حلقه مرکزی این سازمان، رسالت هماهنگی و ارتباط عمل جنبش کمونیستی آلبانی را بعهده گرفته و در جهت تجدید سازمان کمونیستهای آلبانی بمنظور ایجاد زمینه و محلهای لازم برای تشکیل حزب حرکت کرد. کمونیستهای آلبانی با پیش گرفتن راه جدید توانستند پیوند خود را با توده‌های مردم محکمتر کرده و در سازماندهی و هدایت جنبشهای توده‌ای موفقیت‌های کسب کنند.

لیکن تفرقه افکنی عناصر اپورتونیست، تروتسکیستها، آثار - شیمتها و بقایای تعصبات گروهی و اختلافات تئوریک درون جنبش کمونیستی و ضعف هسته کمونیستی سازمان زیرزمینی - مبرده، کار ایجاد حزب واحد طبقه کارگر را باز بتعمیق انداخت. کمونیستهای آلبانی، در جریان یک کار طولانی و پیگیر برای وحدت و هماهنگی نیروهای خود در عمل، در جریان مبارزات توده‌ای، در جریان رشد مبارزات استقلال طلبانه خلق که در اثر تجاوز فاشیستهای ایتالیایی بوجود آمده و دستور بریسا داشتن جنگ رهاشیش را در صدر فعالیتها قرار میداد، بود که سر انجام موانع مقابل وحدت یابی جنبش پراکنده کمونیستی را بیکسو افکنده، عناصر اپورتونیست و تفرقه افکن را منفرد کرده، مبنای ایدئولوژیک و تئوریک واحدی بدست داده و سرانجام با ایجاد سازمان واحد جنبش کارگری و کمونیستی، یعنی حزب کمونیست آلبانی توفیق یافتند.

جنگ آزاد بیخش ملی برهبری کمونیستها علیه متجاوزین فاشیست تاکنون آغاز شده بود. حزب کمونیست آلبانی با پیش گرفتن راه جنگ آزاد بیخش ملی علیه فاشیسم ایتالیا، یعنی راه

تشیلاتی این نیروهای کمونیستی بوجود آمد. در پیروسه رشد جنبش کارگری و کمونیستی آلبانی عناصر و دسته‌های مختلفی بودند که با تبلیغ و ترویج خطوط انحرافی در کار ایجاد حزب طبقه کارگر آلبانی اخلال میکردند. مبارزه کمونیستهای آلبانی برای ایجاد حزب جدا از مبارزه علیه این خطوط انحرافی نبود.

تروتسکیستها و برخی گمراهان تصویر نادرستی از جامعه نیمه فئودالی آلبانی بدست داده و رشد سرمایه گذاری‌های امپریالیستی در آلبانی را باعث رشد سریع سرمایه داری در آلبانی و تسلط کاپیتالیسم در جامعه آلبانی میدانستند. بویژه، با تجاوز فاشیستهای ایتالیایی بآلبانی و در نتیجه، حرکت سیل آسای سرمایه‌های ایتالیایی بآلبانی، عده‌ای گمان بردند که دیگر راه برای تسلط و تکامل سرمایه داری بازگشته و بسبب رشد طبقه کارگر شرایط مناسب برای انقلاب سوسیالیستی بوجود میاید! کمونیستهای آلبانی تنها با مبارزه علیه این نظرات نادرست ذهنی و تروتسکیستی که از درک نادرست کنش و واکنش میان جامعه فئودالی و نیمه فئودالی و امپریالیسم جهانی، و بدینک نادرست از سیستم اقتصادی و مناسبات طبقاتی جامعه رسیده و در نتیجه، درک نادرستی از مرحله انقلاب و وظایف آن مرحله پیدا کرده بودند، بود که توانستند وحدت پایه‌ای درون جنبش کمونیستی آلبانی را تضمین کرده و جنبش مردم را برای یک جنگ رهاشیش ملی علیه فاشیستهای ایتالیایی و آلمانی سازمان دهند.

تروتسکیستها و برخی گمراهان، در هنگامیکه پیوند کمونیستهای آلبانی با جنبش کارگران و جنبش توده‌ای مردم در صدر کارها قرار داشت، با پر بهیادان بقدرت رژیم و تسرور اختلافی حاکم و کم بها دادن بجنبش توده‌ها، موانع تئوریک متعددی در مقابل رشد جنبش کمونیستی آلبانی و پیوند آن با طبقه کارگر و توده‌های خلق آلبانی ساختند. آنان با پیتر کسین "تئوری کادرها" (کادرپروری) که بنا برآن، کمسو - نیستها میبایست در حوزه‌های تنگ خود را محدود و محبوس ساخته، تنها بحالعه و آموزش تئوریک مجرد از جنبش مردم پرداخته و در انتظار رشد و اعتلای جنبش خود بسخودی بنشینند در کار ترکیب جنبش کمونیستی با جنبش توده‌های مردم و دست یابی به تئوری انقلابی جاندار اخلال ورزیدند. کمونیستهای آلبانی تنها با مبارزه علیه تز ناصحیح " کادپروری " جدا از مبارزات خلق، علیه توجیبات تئوریک برای مستی‌های خود بیبانه عدم رشد جنبش خود بخودی، علیه " خود سازی " خود بورژوائی، " حفظ خود " و " تزکیه ایدئولوژیک " بودند که توانستند راه بتوده‌های کارگری و خلق استقلال طلب آلبانی گشوده و راه ایجاد حزب کمونیست را هموار گردانند.

تروتسکیستها و اپورتونیستها، در هنگامیکه حل مسئله ایجاد حزب طبقه کارگر و وحدت کمونیستهای آلبانی در یک سازمان واحد در دستور کار جنبش پراکنده کمونیستی بود، بسا سر همبندی یک گروه اپورتونیستی در خارج از کشور خود را "حزب کمونیست آلبانی" و " رهبر " نهضت کارگری خوانده و با این توطئه، در کار ایجاد حزب واقعی کمونیست آلبانی اخلال کردند. آنان خود را بزیر پرچم مارکسیسم - لنینیسم پنهان کرده، مدعی حمایت بین الملل سوم، یعنی جنبش جهانی کارگری و کمونیستی از خود شده، و کمونیستها را بزور برای پیوند

متحد باد مبارزه خلقهای خاور میانه و خلیج فارس
علیه امپریالیسم آمریکا و سگان زنجیرش